

یک روز
در خانه پیامبر
صلی اللہ علیہ
والرسلہ

تألیف:

عبدالملک القاسم

مترجم:

عبدالقادر ترشابی

عنوان کتاب:	یک روز در خانه پیامبر ﷺ
عنوان اصلی:	يوم في بيت الرسول صلى الله عليه وسلم
تأليف:	عبدالمک القاسم
مترجم:	عبدالقادر ترشابی
موضوع:	تاریخ اسلام - سیره نبوی
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری
منبع:	



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

أ	فهرست مطالب
۱	مقدمه مترجم
۳	مقدمه مؤلف
۷	دیدار
۹	سفر
۱۱	شکل و شمایل پیامبر ﷺ
۱۲	سخن گفتن پیامبر ﷺ
۱۳	داخل خانه
۱۵	خویشاوندان
۱۸	پیامبر ﷺ در خانه اش
۲۰	سیرت و صورت پیامبر اکرم ﷺ
۲۳	دختران پیامبر اکرم ﷺ
۲۶	رفتار با همسر

- چندهمسری (تعدد زوجات) ۲۹
- شوخی رسول خدا ﷺ ۳۲
- خواب نبی اکرم ﷺ ۳۴
- شب زنده‌داری ۳۷
- بعد از نماز صبح ۳۸
- نماز چاشت ۳۹
- خواندن نمازهای نفل در خانه ۴۰
- گریه کردن نبی اکرم ﷺ ۴۰
- تواضع نبی اکرم ﷺ ۴۲
- خدمتگزار نبی اکرم ﷺ ۴۴
- هدیه و مهمان‌نوازی ۴۶
- شفقت و مهرورزی رسول خدا ﷺ به کودکان ۴۹
- صبر و بردباری ۵۳
- غذای رسول الله ﷺ ۵۸
- دفاع از آبروی دیگران ۶۲
- کثرت ذکر خداوند متعال ۶۴

۶۵ همسایه
۶۵ برخورد خوب
۶۶ ادای حقوق
۶۷ شجاعت و صبر رسول خدا ﷺ
۷۰ دعای رسول خدا ﷺ
۷۲ پایان ملاقات
۷۴ لحظات خداحافظی

مقدمه مترجم

در یکی از سفرهایم به سرزمین وحی، طبق عادت همیشگی ام سری به کتابفروشی‌های آنجا زدم و تعدادی کتاب خریدم. یکی از کتاب‌هایی که مرا بسوی خود کشید و توجهم را جلب نمود، همین کتاب بود. زیرا یک روز در خانه پیامبر بودن، آرزوی هر مسلمانی است. لذا به سرعت آن را مطالعه نمودم و چون کتاب را بسیار مفید یافتم، تصمیم گرفتم آن را به زبان فارسی برگردانم تا مورد استفاده فارسی زبانان محترم قرار گیرد. همانجا ترجمه‌اش را آغاز نمودم و بیشترش را ترجمه کردم. وبعد از اتمام سفر، ترجمه‌اش را به پایان رساندم. امیدوارم خداوند عز و جل این عمل ناچیز را از بنده بپذیرد و روز قیامت در ترازوی نیکی‌هایم قرار دهد.

عبدالقادر ترشابی

مقدمه مؤلف

بیشتر مردم این زمان، در افراط و تفریط بسر می‌برند. برخی درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دچار افراط شده‌اند. گروهی دیگر هم به اندازه‌ای دچار تفریط شده‌اند که اخلاق و سیرت گهربار نبی رحمت صلی الله علیه و آله را به فراموشی سپرده‌اند و از آن به عنوان اسوه و الگو استفاده نمی‌کنند. از آنجایی که بنده می‌خواستم سیرت و جزئیات زندگی مبارک رسول الله صلی الله علیه و آله را با اسلوبی آسان به عموم مسلمانان تقدیم کنم و آنان را با این پرچم هدایت آشنا سازم، گوشه‌هایی از صفات و ویژگی‌های اخلاقی نبی اکرم صلی الله علیه و آله را بر اساس نیاز مردم گلچین نمودم و این چند صفحه را که هرچند مقصودم را برآورده نمی‌سازد، به رشته تحریر درآوردم و برای بیان هر خصلت، به ذکر دو یا سه حدیث اکتفا کردم. حقا که حیاتش، حیات امت، حیات دعوت و حیات بشریت بود. آن حضرت صلی الله علیه و آله در طاعت و عبادت، اخلاق و رفتار و بزرگواری، یک امت بود. همین کافی است که خداوند عز و جل درباره‌اش می‌فرماید: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ﴿٤﴾﴾ [القلم: ٤]. یعنی: «تو دارای اخلاقی بزرگ و پسندیده هستی».

اهل سنت و جماعت، همان منزلتی را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله قایلند که خداوند به او عنایت کرده است. آنان، او را بنده، رسول، دوست و برگزیده خدا می‌دانند، او را بیشتر از پدران و فرزندان و بلکه بیشتر از خودشان دوست دارند، ولی افراط و زیاده روی نمی‌کنند؛ بلکه به همان منزلتی که خداوند به ایشان عنایت کرده است، کفایت می‌کنند.

ما هم در همین مسیر حرکت می‌کنیم. جشن میلاد نمی‌گیریم، بلکه او را دوست داریم، از دستوراتش اطاعت می‌کنیم، سخنانش را تصدیق می‌نماییم و از آنچه که از آن نهی نموده است، اجتناب می‌ورزیم.

فمبلغ العلم فيه أنه بشر و أنه خير خلق الله كلهم
أغرّ عليه للنبوة خاتم من نور يلوح ويشهد
و ضم الله اسم النبي إلى اسمه إذا قال في الخمس المؤذن أشهد
و شق له من اسمه ليحمله فذو العرش محمود و هذا احمد

«نهایت علم در مورد پیامبر ﷺ این است که او، بشر و بهترین مخلوق خداوند است و از نور، زیباتر می‌باشد و مهر نبوت که آشکار است و به پیامبریش گواهی می‌دهد، بر او زده شده است. خداوند، نام او را در کنار نام خودش قرار داده است؛ چنانچه مؤذن در اذان‌های پنجگانه، نام او را در کنار نام خدا یاد می‌کند. همچنین خداوند، نام او را به خاطر بزرگداشتش از نام خود مشتق نموده است؛ چراکه صاحب عرش، خداوند متعال، ستوده و محمود است و او، احمد نام دارد».

اگر چه گذشت زمان، میان ما فاصله انداخته و نتوانستیم محبوبمان را ببینیم، اما از خداوند ﷻ می‌خواهم ما را در زمره کسانی قرار دهد که رسول خدا ﷺ درباره آنان فرموده است: «دوست داشتم برادرانمان را می‌دیدیم». صحابه رضی الله عنهم گفتند: ای رسول خدا! آیا ما برادران شما نیستیم؟ فرمود: «شما یاران من هستید. برادران ما، آن کسانی هستند که هنوز نیامده‌اند». گفتند: کسانی را که هنوز نیامده‌اند، چگونه می‌شناسی؟! فرمود: «اگر فردی در میان یک گله اسب سیاه، اسب‌هایی داشته باشد که پیشانی و دست و پایشان سفید است، آیا اسب‌هایش را نمی‌شناسد؟» گفتند: بلی ای رسول

خدا! فرمود: «آنان در حالی نزد من می‌آیند که چهره و دست و پای آنان بر اثر وضو، سفید است و من، آنها را از حوض کوثر آب می‌دهم». [روایت مسلم].

همچنین از خداوند ﷻ می‌خواهم که ما را در زمره پیروان راستین سنت و سیرت او قرار دهد و نیز از خداوند ﷻ مسألت می‌نمایم که ما را در بهشت جاویدان، در کنار او جای دهد و به پاس خدماتش، بهترین پاداش‌ها را به او عنایت فرماید.

عبدالملک بن محمد بن عبدالرحمن القاسم

دیدار

چندین قرن به عقب برمی‌گردیم و صفحات گذشته تاریخ را ورق می‌زنیم، به مطالعه آن می‌پردازیم و درباره آنچه در لابلاهای صفحات تاریخ نوشته شده، فکر می‌کنیم و از طریق حروف و کلمات، برای دیدار رسول الله ﷺ به خانه‌اش می‌رویم؛ به خانه‌اش وارد می‌شویم تا اوضاع و احوالش را از نزدیک ببینیم و سخنانش را بشنویم. فقط یک روز در خانه نبوت می‌مانیم تا از درسها و اندرزهایش استفاده کنیم و از سخنان و اعمالش، مستفیض شویم.

امروزه دروازه‌های شناخت به روی مردم باز شده است؛ چرا که بسیار مطالعه می‌کنند و توسط کتاب، نشریات، فیلم و مستندهای تلویزیونی به دیدن شرق و غرب دنیا می‌روند. در حالی که ما، سزاوارتریم که به دیدن خانه نبی اکرم ﷺ برویم و به معارف و مشاهداتمان بطور جدی عمل کنیم و چون وقتمان، کم است، فقط به موضوعات خاصی در خانه‌اش می‌پردازیم شاید بتوانیم خود و خانه‌هایمان را اصلاح نماییم.

برادر و خواهر مسلمانم! ما تنها به خاطر شنیدن آنچه از دیدگانمان پنهان مانده است و به منظور شناختن حال گذشتگان، سال‌ها و قرن‌ها به عقب بر نمی‌گردیم؛ بلکه با خواندن سیرت رسول اکرم ﷺ و پیروی از سنتش و گام نهادن در راه آن حضرت ﷺ به عبادت خدا می‌پردازیم و از دستور خداوند ﷻ مبنی بر محبت به رسول الله ﷺ اطاعت می‌کنیم. یکی از مهمترین علامات محبت به آن حضرت ﷺ، اطاعت از دستوراتش و اجتناب از منهیاتش و تصدیق سخنانش می‌باشد. خداوند ﷻ می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ ﴿آل عمران: ۳۱﴾.

یعنی: «بگو: اگر شما خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید. در این صورت خدا شما را دوست می‌دارد و گناهان شما را مغفرت می‌کند و خداوند، بخشنده و مهربان است.»

و در جایی دیگر می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ ﴿الأحزاب: ۲۱﴾.

یعنی: «برای کسانی که به خدا و روز قیامت امید دارند و خداوند را زیاد یاد می‌کنند، شخص رسول خدا، الگوی خوبی است.»

خداوند متعال، مسأله اطاعت و پیروی از رسول اکرم ﷺ را در حدود چهل آیه از قرآن، مطرح کرده است و در روز قیامت هیچ راه سعادت و نجاتی جز پیروی از رسول خدا ﷺ وجود ندارد.

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ ﴿النساء: ۱۳-۱۴﴾.

یعنی: «هر کس از خدا و پیامبرش اطاعت کند، خداوند او را به باغ‌هایی از بهشت وارد می‌کند که در آن‌ها نهرها جاری است و آنان جاودانه در آن باغ‌ها می‌مانند و این، رستگاری بزرگی است. و هر کس از خدا و پیامبرش نافرمانی کند و از مرزهای خدا تجاوز نماید، خداوند او را وارد آتش می‌نماید.»

همچنین پیامبر اکرم ﷺ دوستی اش را یکی از عوامل دستیابی به حلاوت ایمان، معرفی نموده و فرموده است: «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدْ وَجَدَ

لَهُنَّ حَلَاوَةٌ الْإِيمَانِ: أَنْ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا». یعنی: «هر کس، سه خصلت داشته باشد، شیرینی ایمان را می‌چشد: اول این که خدا و رسولش نزد او از سایر چیزها محبوبتر باشند؛...».

در حدیثی دیگر آن حضرت ﷺ فرموده است: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهِ». [بخاری و مسلم].

یعنی: «سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، هیچیک از شما تا زمانی که من، نزد او از پدر و فرزندش، محبوبتر نباشم، مؤمن به شمار نمی‌رود».

علاوه بر آن، سیرت رسول الله ﷺ سیرتی گهربار و پاک است که از آن درس می‌گیریم و بر اساس آن حرکت می‌کنیم.

سفر

سفر به خانه رسول الله ﷺ و دیدن جزئیات زندگی و اسلوب رفتارش، بسیار دل‌انگیز است. چرا اینگونه نباشد در حالی که ما، آگاهی از سیرتش را اجر و ثواب می‌دانیم؟. زیرا سراسر آن، درس، پند، اندرز، الگو و نمونه می‌باشد. این سفر، سفری میان کتب و روایاتی است که از زبان صحابه رضی الله عنهم نقل شده است.

اینک به مدینه منوره نزدیک می‌شویم و یکی از بزرگترین رموز آن، یعنی کوه احد، در برابر چشمانمان خودنمایی می‌کند؛ آری! این، همان کوهی است که رسول الله ﷺ درباره آن فرمود: «هَذَا جَبَلٌ يُحِبُّنَا وَنُحِبُّهُ». [متفق علیه]

یعنی: «این، کوهی است که او، ما را دوست دارد و ما، او را دوست داریم».

قبل از این که وارد خانه رسول خدا ﷺ شویم و ساختمان و شکل ظاهری آن را ببینیم، باید بگوییم: اگر خانه‌ای بسیار محقر و گلیمی بسیار کوچک دیدیم، نباید تعجب کنیم. زیرا رسول اکرم ﷺ بی‌علاقه‌ترین شخص نسبت به دنیا بوده و به زرق و برق و اموال دنیا چشم ندوخته بود؛ بلکه آنچه، باعث سردی چشمانش می‌شد و او را خوشحال می‌کرد، نماز بود. [روایت نسایی]

وی، خودش در مورد دنیا فرموده است: «مَا لِي وَلِلدُّنْيَا، وَالَّذِي نَفْسِي - بِيَدِهِ مَا مَثَلِي، وَمَثَلُ الدُّنْيَا إِلَّا كَرَائِبٍ سَارِي فِي يَوْمٍ صَائِفٍ فَاسْتَظَلَّ تَحْتَ شَجَرَةٍ سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ ثُمَّ رَاحَ وَتَرَكَهَا». [روایت ترمذی]

یعنی: «مرا با دنیا چه کار؟ مثال من و دنیا، مانند مسافری است که در یک روز تابستانی بعد از طی مسیری، در سایه یک درخت، ساعتی از روز را به استراحت می‌پردازد و سپس می‌رود و آن را ترک می‌کند».

به سوی خانه رسول خدا ﷺ به راه افتادیم و برای رسیدن به آن گام‌های تندتری بر می‌داریم و کوچه‌های مدینه را یکی پس از دیگری پشت سر می‌گذاریم. اکنون خانه‌های همسران نبی اکرم ﷺ به چشم می‌خورد که دیوارهایشان از برگ درخت خرما و گل و از سنگ‌های روی هم چیده شده، می‌باشد و سقف‌هایشان نیز با برگ درخت خرما پوشیده شده است.

حسن می‌گوید: در دوران خلافت عثمان رضی الله عنه وارد خانه‌های همسران نبی اکرم ﷺ شدم، دستم به سقف آن‌ها می‌رسید.

آری! خانه‌های محقر و بسیار کوچک، اما ایمان و طاعت و وحی و رسالت، از در و دیوارشان می‌بارد.

شکل و شمایل پیامبر ﷺ

به خانه نبی اکرم ﷺ نزدیک می‌شویم و در می‌زنیم تا به ما اجازه ورود بدهد؛ لحظاتی خیالمان را با کسانی رها کنیم که پیامبر اکرم ﷺ را دیده‌اند تا آن حضرت ﷺ را برای ما طوری توصیف کنند که گویا او را می‌بینیم و بدین سان سیما و چهره خنداناش را بشناسیم.

براء بن عازب رضی الله عنه می‌گوید: خلقت و چهره نبی اکرم ﷺ از همه مردم زیباتر بود، نه بسیار بلند و نه بسیار کوتاه بود. [روایت بخاری]

و در روایت دیگر می‌فرماید: نبی اکرم ﷺ فردی چهارشانه بود، شانه‌هایش از یکدیگر فاصله داشتند. موهایش تا نرمه گوش‌هایش می‌رسید؛ او را در حله‌ای قرمز رنگ دیدم و هرگز کسی زیباتر از او ندیدم». [روایت بخاری]

ابواسحاق سیبعی می‌گوید: مردی از براء بن عازب رضی الله عنه پرسید: آیا چهره رسول الله ﷺ مانند شمشیر بود؟ گفت: نه، بلکه مانده ماه بود. [روایت بخاری]

انس رضی الله عنه می‌گوید: هیچ‌گونه دیبا و ابریشمی و هیچ چیز دیگری، نرم‌تر از کف دست رسول الله ﷺ لمس نکرده‌ام و همچنین هیچ بویی خوشبوتر از بوی رسول خدا ﷺ به مشام نرسیده است. [بخاری و مسلم]

یکی از ویژگی‌های آن حضرت ﷺ، شرم و آزر بودن، تا جایی که ابوسعید خدری رضی الله عنه می‌گوید: پیامبر اکرم ﷺ از دوشیزگان زیر چادر، شرم و حیای بیشتری داشت و هرگاه چیزی را می‌دید که مورد پسندش واقع نمی‌شد، ما، آن را از چهره‌اش می‌فهمیدیم. [روایت بخاری]

آنچه گفته شد، مختصری از شمایل و اخلاق رسول خدا ﷺ بود. ولی باید دانست که خداوند، خلقت و اخلاقی کامل به آن حضرت ﷺ عنایت کرده است.

سخن گفتن پیامبر ﷺ

اینک که پیامبر اکرم ﷺ را دیدیم و با برخی از صفاتش آشنا شدیم، ببینیم که چگونه و به چه روشی سخن می گوید. اما قبل از این که سخن گفتن آن حضرت ﷺ را بشنویم، گوش دل به سخنان یارانش می سپاریم تا ببینیم در این باره چه می گویند:

عایشه رضی الله عنها می گوید: «رسول الله ﷺ مانند شما پشت سر هم و بی وقفه سخن نمی گفت، بلکه بسیار روشن و شمرده صحبت می کرد؛ طوری که افرادی که آنجا نشسته بودند، سخنانش را حفظ می کردند». [روایت ابوداود]

او، انسانی باتحمل و بردبار بود و دوست داشت که مردم، سخنانش را بفهمند. از آنجا که به امتش بسیار علاقه مند بود، تفاوت های مردم و میزان درک و شناخت آنان را در نظر می گرفت و همین مسأله، باعث می شد تا فردی بردبار و صبور باشد.

عایشه رضی الله عنها می گوید: «رسول الله ﷺ شمرده سخن می گفت، طوری که هر شنونده ای، آن را می فهمید». [روایت ابوداود]

به حوصله و شرح صدر آن حضرت ﷺ بیندیشید که سخنانش را تکرار می کند تا همه، آن را دریابند.

انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یک کلمه را در صورت نیاز سه بار تکرار می کرد تا مردم بفهمند».

رسول رحمت صلی الله علیه و آله و سلم با مردم با ملاحظت، برخورد می کرد و می کوشید تا از ترس و وحشت آنان بکاهد؛ چراکه بعضی از مردم از هیبتش وحشت می کردند.

ابن مسعود رضی الله عنه می گوید: مردی نزد نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمد و شروع به صحبت کردن با او نمود. در حالی که بازوهایش می لرزید. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «بر خود آسان بگیر؛ زیرا من، پادشاهی نیستم؛ بلکه فرزند زنی هستم که گوشت خشک می خورد». [روایت ابن ماجه].

داخل خانه

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به ما اجازه ورود داد؛ لذا وارد خانه نبی این امت شدیم تا نگاهی به آن بیندازیم.

صحابه رضی الله عنهم حقیقت محتویات این خانه از قبیل اثاث، رخت خواب و سایر وسایل آن را برای ما روایت می کنند. ما می دانیم که نگاه کردن به داخل خانه ها و اتاقهای مردم و جستجو در این مورد، درست نیست. اما به خاطر تأسی و الگوپذیری، نگاهی به این خانه می اندازیم تا از محتویات آن مطلع شویم. این، خانه ای است که بر اساس تواضع و فروتنی بنیانگذاری شده و سرمایه اش، ایمان است. مگر نمی بینید که بر دیوارهایش هیچگونه عکس و تصویر جانداري مثل بسیاری از خانه های امروزی، آویزان نشده است. زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلَا تَصَاوِيرٌ». [بخاری و مسلم]

«فرشتگان به خانه‌ای که در آن سگ و یا تصویر باشد، وارد نمی‌شوند».

نگاه دیگری به خانه پیامبر ﷺ بیندازید تا برخی از وسایلی را مشاهده کنید که آن حضرت ﷺ در زندگی روزانه‌اش از آن‌ها استفاده می‌نمود.

ثابت رضی الله عنه می‌گوید: انس بن مالک رضی الله عنه لیوانی ضخیم را که از چوب ساخته شده و با قطعه‌ای فلزی بسته شده بود، به ما نشان داد و گفت: «ای ثابت! این، لیوان رسول الله ﷺ است». [روایت ترمذی]

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این لیوان، آب، شیر، خرما، عسل و شیر می‌نوشید.

[روایت ترمذی]

انس رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله هنگام نوشیدن آب، سه بار تنفس می‌کرد. [بخاری و مسلم]

و نبی اکرم صلی الله علیه و آله از تنفس کردن داخل ظرف، منع فرمود. [روایت ترمذی]

اما شاید زرهی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روزهای سخت جهاد و مبارزه در میدان‌های نبرد از آن استفاده می‌نمود، داخل خانه نباشد. زیرا طبق گفته عایشه صدیقه رضی الله عنها، آن حضرت صلی الله علیه و آله آن را در برابر سی صاع جو که از یک یهودی قرض گرفته بود، در رهن گذاشت. [بخاری و مسلم] و هنگام وفات پیامبر، آن زره، همچنان نزد همان یهودی بود.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله سرزده و ناگهانی نزد خانواده‌اش نمی‌رفت تا مبادا غافلگیر شوند. بلکه با اعلان قبلی وارد خانه می‌شد و هنگام ورود، سلام می‌کرد. [زاد المعاد: ۲/۳۸۱]

با چشمی جستجوگر و قلبی آگاه به این حدیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله فکر کنید که فرمود: «طُوبَى لِمَنْ هُدِيَ إِلَى الْإِسْلَامِ وَكَانَ عَيْشُهُ كَفَافاً وَقَنَّعَ».

[روایت ترمذی]

یعنی: «خوشا به حال کسی که به سوی اسلام هدایت شده و زندگیش، به اندازه کفاف بوده و به همین، قانع باشد».

به حدیث دیگری گوش بسپار که نبی اکرم ﷺ فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ مِنْكُمْ آمِنًا فِي سِرْبِهِ، مُعَافًى فِي جَسَدِهِ، عِنْدَهُ قُوتٌ يَوْمِهِ، فَكَأَنَّمَا حِيزَتْ لَهُ الدُّنْيَا بِحَدَافِيرِهَا». [روایت ترمذی]

یعنی: «هر کس صبح کند در حالی که از درونش، احساس امنیت می‌کند و بیمار نیست و قوتِ آن روزش را دارد، گویا همه دنیا برایش فراهم شده است».

خویشاوندان

پیامبر این امت ﷺ به اندازه‌ای حقوق خویشاوندانش را ادا می‌کرد و صله رحمی را به جا می‌آورد که در سخن نمی‌آید. او، در این باب بهترین و کامل‌ترین انسان‌ها بود؛ چنانکه کفار قریش نیز، او را قبل از بعثتش ستودند و او را صادق امین لقب دادند. خدیجه رضی الله عنها به آن حضرت صلی الله علیه و آله چنین گفت: «تو حق صله رحم را به جا می‌آوری و در سخنانت صداقت داری».

آری! مشاهده می‌کنید که رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از بزرگترین حقوق را ادا می‌کند و به یکی از مهمترین وظایف خویش عمل می‌نماید؛ او به زیارت مادرش می‌رود که در هفت سالگی او را از دست داده است.

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله به زیارت قبر مادرش رفت و به اندازه‌ای گریست که اطرافیانش نیز گریه کردند؛ سپس فرمود: «اسْتَأْذَنْتُ

رَبِّي أَنْ أَرْوَرَ قَبْرَهَا فَأَذِنَ لِي، وَاسْتَأْذَنَتْهُ أَنْ أَسْتَغْفِرَ لَهَا فَلَمْ يَوْذَنْ لِي، فَزُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تُذَكِّرُ الْمَوْتَ». [روایت مسلم]

یعنی: «از پروردگام اجازه خواستم تا برای مادرم طلب مغفرت کنم. به من اجازه نداد. از او اجازه خواستم تا به زیارت قبرش بروم؛ به من اجازه داد. پس قبرها را زیارت کنید؛ زیرا زیارت قبور، یادآور مرگ است.»

بینید رسول خدا ﷺ به خویشاوندان، چه محبتی داشت و چقدر علاقه‌مند بود که دعوتش را لیبیک بگویند و هدایت شوند و از آتش دوزخ نجات یابند و در این راه چه مشکلات و سختی‌هایی را که تحمل نمود!

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: هنگامی که آیه: ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ [الشعرا: ۲۱۴]. نازل شد، رسول الله ﷺ قریش را فرا خواند و آن‌ها را بطور عمومی و خصوصی مورد خطاب قرار داد و فرمود: «يَا بَنِي عَبْدِ شَمْسٍ، يَا بَنِي كَعْبِ بْنِ لُؤَيٍّ، أَنْقِدُوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ النَّارِ؛ يَا بَنِي مُرَّةَ بْنِ كَعْبٍ، أَنْقِدُوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ النَّارِ؛ يَا بَنِي عَبِيدِ مَنَاةٍ، أَنْقِدُوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ النَّارِ؛ يَا بَنِي هَاشِمٍ، أَنْقِدُوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ النَّارِ؛ يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، أَنْقِدُوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ النَّارِ؛ يَا فَاطِمَةُ، أَنْقِدِي نَفْسَكَ مِنَ النَّارِ؛ فَإِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا غَيْرَ أَنْ لَكُمْ رَحِمًا سَابُلُهَا بَيْلَالُهَا». [روایت مسلم]

یعنی: «ای فرزندان عبد شمس و ای فرزندان کعب بن لؤی! خودتان را از آتش نجات دهید؛ ای فرزندان مره بن کعب! خودتان را از آتش نجات دهید؛ ای فرزندان عبدمناف! خودتان را از آتش نجات دهید؛ ای فرزندان هاشم! خودتان را از آتش نجات دهید؛ ای فرزندان عبدالمطلب! خودتان را از آتش نجات دهید؛ ای فاطمه! خودت را از آتش جهنم نجات بده؛ زیرا من در برابر خدا نمی‌توانم هیچ کاری برای شما انجام دهم مگر این که یک حق

خوشاوندی دارید که تا هنگامی که باقی است، - یعنی در دنیا - آن را ادا می‌کنم».

شما مشاهده می‌کنید که محبوب ما از دعوت عمویش ابوطالب خسته نشد. بلکه او را دعوت داد، تا جایی که هنگام احتضار ابوطالب نزد او رفت و دید که ابوجهل و عبدالله بن ابی امیه آنجا نشستند؛ آنگاه به عمویش گفت: «عمو جان! بگو: لا اله الا الله؛ یک کلمه، بیشتر نیست؛ به وسیله آن نزد خداوند از تو دفاع خواهم کرد». ابوجهل و عبدالله بن ابی امیه گفتند: ای ابوطالب! آیا از دین عبدالمطلب رویگردانی می‌کنی و آنقدر با او صحبت کردند تا این که آخرین کلمه ای که بر زبان آورد، این بود که گفت: بر دین عبدالمطلب.

نبی اکرم ﷺ فرمود: «تا زمانی که منع نشوم، برای استغفار خواهم کرد». آنگاه این آیه نازل شد: ﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾ [التوبة: ۱۱۳].

یعنی: «شایسته پیامبر و مؤمنین نیست که برای مشرکین طلب مغفرت کنند. اگرچه خویشاوندانشان باشند، بعد از این که برای آنان روشن شده است که آنان جهنمی اند».

این آیه نیز نازل شد: ﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ﴾ [القصص: ۵۶].

یعنی: «هرکه را تو بخواهی، نمی‌توانی هدایت کنی». [روایت بخاری، مسلم و احمد]

پیامبر ﷺ در خانه‌اش

خانه هر فرد، ملک حقیقی اوست که خوش رفتاری، ادب، حسن معاشرت و اصالت او، در آن آشکار می‌شود. او، در خانه و پشت دیوارها قرار دارد و هیچکس او را نمی‌بیند و با خادم و همسرش بدون هیچگونه تکلف و تعارفی بر اساس سرشت اصلی خود رفتار می‌کند. او این رویه را در حالی دارد که همه کاره این خانه است و تمام زیردستانش افراد ضعیفی هستند. اکنون رهبر و معلم این امت را ببینیم که با وجود جایگاه و منزلت بالایی که از آن برخوردار است، در خانه‌اش چگونه رفتار می‌کند. از عایشه صدیقه رضی الله عنها پرسیدند: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در خانه چه کار می‌کرد؟ گفت: بشری مانند سایر افراد بشر بود. لباسش را می‌دوخت، گوسفندانش را می‌دوشید و خودش کارهایش را انجام می‌داد. [روایت احمد و ترمذی]

او نمونه تواضع و فروتنی بود؛ تکبر نمی‌کرد، به دیگران دستور نمی‌داد که کارهایش را انجام دهند و در کارهای خانه مشارکت می‌نمود و کمک خوبی برای خانواده‌اش بود. مشاهده می‌کنیم که همه این کارها را برگزیده فرزندان آدم انجام می‌دهد. بله! در خانه‌ای که نور این دین از آنجا نورافشانی می‌کند، حتی آن مقدار خوراکی هم وجود ندارد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را سیر کند.

نعمان بن بشیر رضی الله عنه که درباره نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سخن می‌گفت، فرمود: «پیامبر شما را در حالی دیدم که خرماي خشکی هم نمی‌یافت که شکمش را سیر کند». [روایت مسلم]

عایشه رضی الله عنها می‌گوید: «ما اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم یک ماه آتش روشن نمی‌کردیم؛ غذای ما، آب و خرما بود». [روایت بخاری]

همچنین هیچ چیز، نبی اکرم ﷺ را از عبادت باز نمی‌داشت؛ هرگاه ندای (حي على الصلاة وحي على الفلاح) را می‌شنید، به سرعت اجابت می‌کرد و دنیا را پشت سر می‌گذاشت.

اسود بن یزید می‌گوید: از عایشه پرسیدم: نبی اکرم ﷺ در خانه چکار می‌کرد؟ گفت: «در خدمت خانواده‌اش بود. به محض این که صدای اذان را می‌شنید، بیرون می‌رفت». [روایت بخاری]

درباره نبی اکرم ﷺ نقل نشده که یکی از نمازهای فرض را در خانه خوانده باشد مگر هنگامی که بیمار شد و تب او شدت گرفت و نتوانست از خانه بیرون برود و آن هم در بیماری وفاتش بود.

رسول خدا ﷺ با وجود مهربانی و شفقتی که نسبت به امتش داشت، درباره کسانی که نماز جماعت را ترک می‌کنند، الفاظ تندی به کار برد و فرمود: «لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَمُرَ بِالصَّلَاةِ فَتُقَامَ ثُمَّ أَمُرَ رَجُلًا فَيُصَلِّيَ بِالنَّاسِ ثُمَّ أَنْظِلِقَ مَعِيَ بِرِجَالٍ مَعَهُمْ حُزْمٌ مِنْ حَطَبٍ إِلَى قَوْمٍ لَا يَشْهَدُونَ الصَّلَاةَ فَأُحَرِّقُ عَلَيْهِمْ بُيُوتَهُمْ». [روایت بخاری و مسلم]

یعنی: «تصمیم گرفتم دستور دهم تا نماز، اقامه گردد، سپس به مردی دستور دهم تا برای مردم امامت دهد، آنگاه گروهی را با دسته‌های هیزم با خود ببرم و کسانی را که به نماز جماعت نمی‌آیند، با خانه‌هایشان آتش بزنم».

باید توجه داشت که حدیث فوق اهمیت نماز جماعت را می‌رساند. همچنین نبی اکرم ﷺ فرمود: «مَنْ سَمِعَ التَّدَاءَ فَلَمْ يُجِبْ فَلَا صَلَاةَ لَهُ إِلَّا مِنْ عُذْرٍ». [ابن ماجه و ابن حبان].

یعنی: «هر کس صدای اذان را بشنود و اجابت نکند، نمازش پذیرفته نمی‌شود مگر این که عذری داشته باشد».

قابل یادآوری است که علما، فقط ترس و بیماری را عذر دانسته‌اند. اینک کجا هستند کسانی که کنار همسرانشان، نماز می‌خوانند و مساجد خدا را ترک کرده‌اند؟ آیا آن‌ها معذورند؟!

سیرت و صورت پیامبر اکرم ﷺ

حرکات و سکنات هر شخص، دلیل میزان عقل و کلید قلبش می‌باشد. ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها دختر ابوبکر صدیق رضی الله عنه بهترین شخصی است که اخلاق نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را معرفی می‌کند و آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم را دقیقتر از دیگران توصیف می‌نماید؛ چراکه او در موقعیت‌ها و حالت‌های مختلف از قبیل خواب، بیداری، بیماری، صحت، خوشی و خشم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در کنار ایشان بود.

ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها می‌گوید: «لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ هِصَ فَاِحْشًا وَلَا مُتَفَحِّشًا وَلَا صَخَّابًا فِي الْأَسْوَاقِ وَلَا يُجْزَى بِالسَّيِّئَةِ مِثْلَهَا وَلَكِنْ يَعْفُو وَيَصْفَحُ». [روایت احمد]

یعنی: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نه اخلاق ناسزاگویی داشت و نه ناسزا می‌گفت. همچنین در بازارها سر و صدا نمی‌کرد و بدی را با بدی، پاسخ نمی‌داد. بلکه عفو و گذشت می‌نمود».

اخلاق نبی این امت، این نعمت بزرگ الهی را نوه‌اش حسین رضی الله عنه برای ما توصیف می‌کند. وی می‌گوید: از پدرم درباره رفتار نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با دوستانش پرسیدم. گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم همیشه شاداب بود؛ اخلاق نرمی

داشت، متواضع و فروتن بود؛ فرد خشنی نبود که سر و صدا راه بیندازد و یا به شدت متنفر شود؛ بلکه اگر به خوردن چیزی تمایل نداشت، بدون اعلام تنفر، نمی خورد. فردی که نزد او می آمد، ناامید بر نمی گشت و متضرر نمی شد. از سه چیز، نفسش را آزاد کرده بود: ریا، حرف زدن زیاد و کارهای بیهوده؛ مردم را هم از سه چیز آزاد کرده بود: هیچکس را مذمت نمی کرد، عیبش را بیان نمی نمود و به دنبال آبرویش نبود. تنها درباره چیزی سخن می گفت که امید ثواب داشت. هنگامی که سخن می گفت، حاضران، سکوت می کردند طوری که گویا بر سرشان پرنده ای نشسته است و چون او سکوت می نمود، آنان، صحبت می نمودند؛ صحابه نزد وی جر و بحث نمی کردند؛ اگر کسی نزد وی سخن می گفت، بقیه سکوت می نمودند تا سخنش پایان یابد. از آنچه که آنان می خندیدند، آن حضرت ﷺ نیز می خندید؛ از آنچه آنان، تعجب می کردند، او نیز تعجب می کرد و اگر فرد بیگانه ای با خشونت سخن می گفت و یا مطلبی را آنچنان می پرسید که صحابه قصد تنبیه آن شخص را می کردند، او، صبر پیشه می نمود و می فرمود: «هرگاه نیازمندی را دیدید، به او کمک کنید».

به ارزش های اخلاقی و خصلت های پاک نبی این امت یکی پس از دیگری فکر کنید و به گوش های از آن ها عمل نمایید و سعی کنید که بهره ای از آن ها داشته باشید؛ زیرا خیر و نیکی فراوانی در آن ها نهفته است. یکی از عاداتش، این بود که به اطرافیانش امور دینی را آموزش می داد؛ چنانکه در یکی از جلساتش فرمود: «مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ نِدًّا دَخَلَ النَّارَ». [روایت بخاری]

یعنی: «هر کس، در حالی بمیرد که کسی جز خداوند را صدا می زند، وارد آتش می شود».

همچنین فرمود: «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَبَدِهِ وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ مَا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ». [روایت بخاری و مسلم]

یعنی: «مسلمان - حقیقی - کسی است که مسلمانان، از دست و زبانش سالم بمانند و مهاجر حقیقی کسی است که آنچه را خداوند، نهی کرده است، ترک کند».

و فرمود: «بَشِّرِ الْمَشَاقِقَ فِي الظُّلَمِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالتَّوْرِ التَّامِّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». [روایت ترمذی]

یعنی: «کسانی را که در تاریکی‌ها به سوی مساجد می‌روند، به نوری کامل در روز قیامت بشارت بده».

و فرمود: «جَاهِدُوا الْمُشْرِكِينَ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَالسِّنْتِكُمْ». [روایت ابوداود]

یعنی: «با مال و جان و زبان خود، با مشرکین مبارزه کنید».

و نیز فرمود: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ، مَا يَتَّبِعُ فِيهَا، يَزِلُّ بِهَا فِي النَّارِ أَبْعَدَ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ». [روایت بخاری و مسلم]

یعنی: «بنده بدون فکر و اندیشه، سخنی به زبان می‌آورد و آن سخن باعث می‌شود که در عمقی دورتر از فاصله مشرق و مغرب در آتش سقوط کند».

«إِنِّي لَمْ أُبْعَثْ لَعَانًا وَإِنَّمَا بُعِثْتُ رَحْمَةً». [روایت مسلم].

یعنی: «من مبعوث نشده‌ام تا مردم را نفرین کنم؛ بلکه به عنوان رحمت برای مردم مبعوث شده‌ام».

عمر بن خطاب رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا تُظَرُّوُنِي كَمَا أَظَرَّتِ النَّصَارَى ابْنَ مَرْيَمَ». [روایت بخاری و مسلم]

یعنی: «در تعریف و تمجید من افراط نکنید، آنطور که نصاری دربارۀ فرزند مریم - عیسی - افراط کردند».

جندب بن عبدالله رضی الله عنه می گوید: شنیدم که نبی اکرم صلی الله علیه و آله پنج روز قبل از وفاتش فرمود: «إِنِّي أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ أَنْ يَكُونَ لِي مِنْكُمْ خَلِيلٌ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدِ اتَّخَذَنِي خَلِيلًا كَمَا اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا، وَلَوْ كُنْتُ مَتَّخِذًا مِنْ أُمَّتِي خَلِيلًا لَا تَخَذُتُ أَبَا بَكْرٍ خَلِيلًا؛ أَلَا وَإِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ كَانُوا يَتَّخِذُونَ قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ، أَلَا فَلَا تَتَّخِذُوا الْقُبُورَ مَسَاجِدَ؛ إِنِّي أَنْهَاكُمْ عَنْ ذَلِكَ».

[روایت مسلم]

یعنی: «من به خدا پناه می برم از این که کسی از شما را به عنوان دوست صمیمی انتخاب کند؛ زیرا خداوند همانگونه که ابراهیم علیه السلام را به عنوان خلیل (دوست ویژه) انتخاب کرد، مرا نیز به عنوان خلیل انتخاب نمود، و اگر من از میان امتم کسی را به عنوان دوست صمیمی انتخاب می کردم، ابوبکر را بر می گزیدم. آگاه باشید که امت های گذشته، قبرهای پیامبران را مسجد قرار دادند. مواظب باشید که قبرها را مسجد قرار ندهید؛ زیرا من، شما را از این کار منع می نمایم».

دختران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

به دنیا آمدن دختر در دوران جاهلیت، روزی سیاه و تاریک در زندگی پدر و مادر و حتی زندگی خانواده و قبیله، به شمار می رفت. تا جایی که بسیاری از آنان، دخترانشان را از ترس عار و رسوایی، زنده به گور می کردند و این کار، در نهایت وقاحت و قساوت قلب انجام می گرفت؛ طوریکه شفقت و محبت، هیچ جایگاهی نداشت. آن ها این جنایت را به شکل های مختلف

مرتکب می‌شدند. برخی از آنان، دخترانشان را تا سن شش سالگی زنده می‌گذاشتند؛ آنگاه به مادرش می‌گفتند: او را آرایش کن و خوشبویی بزنی تا او را نزد خویشاوندانش ببریم. حال آنکه از قبل، در بیابان، چاله‌ای حفر کرده بودند؛ سپس او را کنار آن چاله می‌بردند و به او می‌گفتند: داخل آن را نگاه کن و آنگاه او را داخل گودال می‌انداختند و با قساوت تمام، رویش خاک می‌ریختند.

رسول الله ﷺ در میان چنین جامعه‌ای ظهور کرد و این دین بزرگ را آورد که برای جنس زن اعم از مادر، همسر، خواهر و عمه احترام خاصی قایل است. رسول خدا ﷺ دخترانش را بسیار دوست داشت؛ چنانچه هرگاه فاطمه رضی الله عنها نزدش می‌آمد، برایش بلند می‌شد، دستش را می‌گرفت و می‌بوسید و سرچایش می‌نشاند و هرگاه رسول الله ﷺ نزد فاطمه رضی الله عنها می‌رفت، برایش بلند می‌شد، دستش را می‌گرفت و او را می‌بوسید و سرچایش می‌نشاند. [ابوداود، ترمذی و نسائی]

با وجود این که نبی اکرم ﷺ دخترانش را بسیار دوست داشت و احترام خاصی برای آنان قایل بود، اما در عین حال، هنگامی که سوره المسد نازل شد و عتبه و عتیبه فرزندان ابولهب، با تحریک قریش تهدید کردند که دختران رسول الله ﷺ، یعنی ام کلثوم و رقیه را طلاق می‌دهند، آن حضرت صلی الله علیه و آله صبر کرد و سرانجام هم دخترانش را طلاق دادند. ولی او، امر دعوت را ترک نکرد؛ بلکه در امر دین، ذره‌ای تزلزل به خود راه نداد.

بیابیم از عایشه رضی الله عنها بشنویم که رسول الله ﷺ چقدر دخترانش را دوست داشت؛ عایشه رضی الله عنها می‌گوید: روزی همسران نبی اکرم صلی الله علیه و آله نزد او بودند که فاطمه رضی الله عنها آمد؛ راه رفتن او، با راه رفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچگونه تفاوتی نداشت. هنگامی که چشم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به فاطمه افتاد، به او

خوشامد گفت و فرمود: «دخترم! خوش آمدی»؛ آنگاه او را سمت راست و یا چپ خود نشانید. [روایت مسلم]

همچنین رسول رحمت ﷺ برای دیدن دخترانش و احوال پرسی از آنان و حل مشکلاتشان نزد آنان، می‌رفت. چنانکه روزی فاطمه رضی الله عنها به خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد تا از دشواری آسیاب کردن و تأثیر آن بر دستانش شکایت کند و درخواست خادمی نماید. اما نبی اکرم صلی الله علیه و آله آنجا نبود؛ لذا عایشه رضی الله عنها را در جریان گذاشت؛ هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و آله آمد، عایشه، او را از آمدن فاطمه باخبر ساخت.

علی ابن ابی طالب رضی الله عنه می‌گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی نزد ما آمد که ما به رخت‌خواب رفته بودیم؛ لذا خواستیم بلند شویم، ولی آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: بلند نشوید؛ سپس آمد و میان ما نشست، طوری که من، سردی قدم‌هایش را بر سینه ام احساس کردم. آنگاه فرمود: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَا هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ مِنْ خَادِمٍ؟ إِذَا أَوَيْتُمْ إِلَىٰ فِرَاشِكُمْ أَوْ أَخَذْتُمْ مَضَاجِعَكُمْ، فَكَبَّرًا أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ، وَسَبَّحًا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَاحْمَدًا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، فَهَذَا خَيْرٌ لَّكُمْ مِنْ خَادِمٍ». [روایت بخاری]

یعنی: «آیا شما را به انجام عملی راهنمایی نکنم که برای شما از خادمی بهتر باشد؟ هرگاه به رخت‌خواب رفتید، سی و چهار بار (الله اکبر)، سی و سه بار (سبحان الله) و سی و سه بار (الحمد لله) بگویید؛ این عمل، برای شما از خادم بهتر است».

ما باید در زمینه صبر و بردباری، رسول خدا صلی الله علیه و آله را الگوی خویش قرار دهیم. چراکه جز فاطمه، همه پسران و دختران آن حضرت صلی الله علیه و آله در حیات مبارکش فوت کردند، با این حال، رسول خدا صلی الله علیه و آله نه به سر و صورتش زد، نه

گریبانش را پاره کرد، نه برای آنان نوحه خوانی نمود و نه مجلس ختم و سالگرد گرفت. پیامبر اکرم ﷺ امتش را به صبر و شکیبایی وصیت کرد و احادیثی برای آنان بیان نمود تا باعث تسلیت انسان غم زده و مصیبت دیده گردد. چنانکه فرمود: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، اللَّهُمَّ أَجْرُنِي فِي مُصِيبَتِي وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا». [روایت مسلم]

یعنی: «ما از آن خداییم و بازگشت ما به سوی اوست؛ خدایا! مرا در مقابل این مصیبت، پاداش بده و در عوض آن، چیز بهتری به من عنایت فرما».

همچنین خداوند متعال، گفتن کلمه استرجاع یعنی: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» را پناهگاه انسان‌های غم زده و مصیبت دیده قرار داده و صبرکنندگان را از طرف خودش به اجر و ثواب مژده داده است: ﴿إِنَّمَا يُؤَقِّي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ [الزمر: ۱۰].

یعنی: «همانا اجر و پاداش صبرکنندگان به تمام و کمال و بدون حساب به آنان داده می‌شود».

رفتار با همسر

در اجتماع کوچک خانواده، این همسر است که اساس و پایه آن را تشکیل می‌دهد و به آن آرامش می‌بخشد و دوستی و محبت به ارمغان می‌آورد.

رسول الله ﷺ فرموده است: «إِنَّ الدُّنْيَا كُلَّهَا مَتَاعٌ، وَخَيْرُ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ» و [سنن نسائی]

یعنی: «دنیا، سراسر متاع است و بهترین متاع دنیا، همسر نیک است». یکی از موارد خوشرفتاری رسول خدا ﷺ را در برخورد خوب با همسرانش مشاهده می‌کنیم. چنانکه رسول رحمت ﷺ نام ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها را ترخیم می‌نماید و بشارتی به او می‌دهد که دل‌ها را به هیجان می‌آورد و می‌فرماید: «ای عایش! این، جبرئیل است که به تو سلام می‌رساند». [روایت بخاری و مسلم]

فراتر از این، پیامبر امت، آن کامل‌ترین انسان از نظر اخلاق و بزرگترین فرد از نظر جایگاه و منزلت، در خوش اخلاقی، تواضع و فروتنی و شناخت گرایش‌های عاطفی و روانی همسرش، شگفتی می‌آفریند و طوری با وی برخورد می‌کند که هر زنی، آن را می‌پسندد.

عایشه رضی الله عنها می‌گوید: «در دوران عادت ماهیانه آب می‌نوشیدم؛ سپس ظرف آب را به نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌دادم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دهانش را همان جایی می‌گذاشت که من، دهانم را گذاشته بودم و آب می‌نوشید. همچنین گوشت را از استخوان با دهان می‌کندم و می‌خوردم. آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دهانش را همان جایی می‌گذاشت که من گذاشته بودم و از آن گوشت می‌خورد». [روایت مسلم]

آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم آنگونه نبود که منافقین می‌پندارند و خاورشناسان، او را متهم می‌کنند؛ بلکه زیباترین و آسان‌ترین راه‌های معاشرت با همسر را انتخاب می‌کرد.

عایشه می‌گوید: «نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یکی از همسرانش را بوسید و بدون این‌که وضو بگیرد، برای نماز بیرون رفت». [ابوداود و ترمذی]

همچنین رسول خدا ﷺ در جاهای متعددی بطور واضح و روشن، منزلت والای زن را بیان می‌کند و ارزش و جایگاه بانوان را برای جامعه و مردم معرفی می‌نماید.

ملاحظه کنید که رسول خدا ﷺ به سؤال عمرو بن عاص رضی الله عنه پاسخ می‌دهد و به او می‌آموزد که دوست داشتن همسر، باعث شرمندگی مرد درست و کامل نمی‌شود.

عمرو بن عاص رضی الله عنه می‌گوید: از رسول الله ﷺ پرسیدم: محبوب‌ترین مردم نزد تو کیست؟ فرمود: عایشه. [روایت بخاری و مسلم]

هر کس می‌خواهد طعم سعادت زناشویی را در زندگیش بچشد، در این حدیث ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها بیندیشد که به بیان نحوه رفتار رسول خدا ﷺ با او می‌پردازد؛ عایشه رضی الله عنها می‌گوید: «من و رسول خدا ﷺ از یک ظرف آب، غسل می‌کردیم». [روایت بخاری]

نبی امت از هر مناسبتی استفاده می‌کرد و برای خوشحال و خوشبخت نمودن همسرش از هر امر مباح و جایزی کمک می‌گرفت.

این، یک شوخی زیبا و نکته‌ای فوق العاده مهم است که نبی اکرم ﷺ به مردم دستور می‌دهد جلو بروند تا با همسرش مسابقه دهد و باعث خوشحالی وی گردد. هر کس امروزه در این سرزمین پهناور خداوند به سیر و سیاحت بپردازد و به بزرگان و رهبران دنیا نگاه کند، بطور قطع از این رفتار نبی اکرم ﷺ تعجب خواهد کرد. او، فرمانده پیروز و برگزیده قریش بود. در یکی از روزهای فتح در حالی که مسلمانان با فتح و پیروزی باز می‌گردند و خودش، فرماندهی لشکر بزرگی را بر عهده دارد، با این حال، همچنان فروتن و متواضع است و به همسرانش مهر می‌ورزد. فرماندهی لشکر، خستگی راه و پیروزی در میدان نبرد، هیچ کدام باعث نشد تا این

نکته را فراموش کند که با او زنانی هستند که نیاز به محبت و شفقت دارند؛ بلکه مشقت راه و خستگی سفر را از آنان زدود و به آنان مهر ورزید.

بخاری روایت کرده است: هنگامی که رسول خدا ﷺ از غزوه خیبر برگشت، با صفیه دختر حیی ازدواج کرد؛ چادری را اطراف شتری می‌گرفت که صفیه بر آن سوار بود و او را در حجاب قرار می‌داد و سپس کنار شتر می‌نشست و زانویش را می‌گذاشت و صفیه، پایش را بر زانوی آن حضرت ﷺ می‌نهاد تا سوار شتر شود.

این، یک صحنه بسیار مؤثر است که بر تواضع رسول خدا ﷺ دلالت دارد.

بدین سان رسول خدا ﷺ که فرماندهی پیروز و فرستاده‌ای از جانب الله بود، به امتش می‌آموزد که تواضع و فروتنی در برابر همسرش برای کمک به او و خوشحال کردنش از قدر و منزلت وی نمی‌کاهد. همچنین یکی از وصیت‌های نبی اکرم ﷺ به امتش این بود که فرمود: «به زنان نیکی کنید». [روایت مسلم]

چند همسری (تعدد زوجات)

رسول الله ﷺ با یازده زن ازدواج کرد که مفتخر به لقب مادران مؤمنان شدند و هنگامی که فوت نمود، نه زن در نکاح ایشان بودند. بله! این زنان، از شرافت و کرامتی والا برخوردار شدند. تمام زنانی که رسول خدا ﷺ با آنها ازدواج نمود، بزرگسال، بیوه و ناتوان بودند. فقط عایشه صدیقه رضی الله عنها دختر بود.

آری! پیامبر اکرم ﷺ در عدالت و تقسیم وقت میان مادران مؤمنان نمونه بود. عایشه می‌گوید: هرگاه پیامبر اکرم ﷺ می‌خواست به سفر برود، میان همسرانش قرعه می‌انداخت و قرعه به نام هر کس که می‌افتاد، او را با خود می‌برد و در تقسیم وقت نیز یک شبانه روز را به هریک از آن‌ها اختصاص می‌داد.

یکی دیگر از نمونه‌های عدالت آن حضرت ﷺ روایت انس بن مالک رضی الله عنه است که می‌گوید: «نبی اکرم ﷺ، نه همسر داشت و چون نوبت آنان را رعایت می‌کرد، نه شب بعد، نوبت هریک می‌شد؛ لذا همسرانش هر شب در خانه‌ای که نوبتش آنجا بود، جمع می‌شدند. در یکی از شب‌ها که رسول خدا ﷺ در خانه عایشه بود، زینب آمد. پیامبر اکرم ﷺ دستش را به سوی او دراز کرد؛ عایشه رضی الله عنها گفت: این، زینب است. پیامبر خدا ﷺ دستش را جمع نمود. [روایت مسلم]

باید دانست که اگر توفیق خداوند متعال، شامل حال پیامبر خدا ﷺ نمی‌شد، خانه نبوت چنین وضعیتی نداشت.

آری! رسول رحمت ﷺ را مشاهده می‌کنیم که در قول و عمل، سپاس پروردگارش را به جا می‌آورد؛ او، به دستورات خداوند عمل می‌کند و همسرانش را به عبادت تشویق می‌نماید و به آن‌ها کمک می‌کند تا هرچه بهتر خدا را عبادت کنند. خداوند بلندمرتبه، می‌فرماید: ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى﴾ [طه: ۱۳۲].

یعنی: «خانواده خود را به ادای نماز دستور بده و خود نیز بر اقامه آن ثابت و استوار بمان؛ ما، از تو روزی نمی‌خواهیم، بلکه ما، به تو روزی می‌دهیم و سرانجام (نیک) از آن (اهل تقوا و) پرهیزگاری است.»

عایشه رضی الله عنها می گوید: «نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نماز می خواند در حالی که من بر رخت خوابش دراز کشیده و خوابیده بودم. اما هنگامی که می خواست نماز وتر بخواند، مرا بیدار می نمود». [روایت بخاری و مسلم]

نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مردم را به شب زنده داری و خواندن نماز تهجد تشویق می نمود. چنانچه زن و شوهر را تشویق نمود تا برای قیام شب همکاری کنند و یکدیگر را بیدار نمایند.

ابو هریره رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «خداوند، رحمت کند مردی را که شب هنگام بر می خیزد و نماز می خواند و همسرش را نیز بیدار می کند و اگر بیدار نشد، بر صورتش آب می پاشد. همچنین خداوند، رحمت کند زنی را که شب بر می خیزد و نماز می خواند و شوهرش را نیز بیدار می کند و اگر بیدار نشد، بر صورتش آب می پاشد». [روایت بخاری و مسلم]

یکی از علایم مسلمان کامل و پایبند، توجه به قیافه ظاهریش می باشد تا بدین سان صفا و پاکی درونیش کامل گردد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قلبی پاک و بدنی تمیز داشت، خوشرو بود، مسواک را دوست داشت و به مردم دستور می داد تا مسواک بزنند.

آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: «اگر برای امتم دشوار نمی شد، به آنان دستور می دادم تا هنگام هر نمازی مسواک بزنند». [روایت احمد]

حذیفه رضی الله عنه می گوید: «رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هنگامی که از خواب بیدار می شد، مسواک می زد». [روایت مسلم]

شریح بن هانی می گوید: از عایشه رضی الله عنها پرسیدم: نخستین کار پیامبر هنگام ورود به خانه چه بود؟ گفت: مسواک زدن. [روایت احمد]

ملاحظه می کنیم که نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با چه آمادگی و نظافت خوبی، با اهل بیتش روبرو می شود! همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هنگامی که وارد خانه

می شد، می فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ وَلَجْنَا وَبِسْمِ اللَّهِ خَرَجْنَا وَعَلَى رَبِّنَا تَوَكَّلْنَا». [روایت مسلم]

یعنی: «به نام خدا وارد شدیم و به نام خدا بیرون رفتیم و بر پروردگارمان توکل نمودیم». سپس به خانواده اش سلام می کرد. مبارک و خجسته باد بر خانواده‌ات که پاک و نظیف وارد خانه می شوی و در بدو ورود به خانه سلام می کنی. لذا ای برادر مسلمان! جزو کسانی مباش که به جای این کارها، سرزنش می کنند و بد و بی‌راه می گویند.

شوخی رسول خدا ﷺ

رهبری همچون نبی اکرم ﷺ لحظات زندگی‌اش را در فکر امت و در اندیشه سپاه اسلام، فرماندهان و خانواده اش سپری می نماید و گاهی نیز به وحی مشغول است و اوقاتی را هم در عبادت بسر می برد و کارهای دیگری نیز دارد. این‌ها، کارهای بزرگی است که با وجود آن‌ها، شخص نمی تواند خواسته های زندگی را برآورده سازد و به زندگی رونق و طراوت ببخشد. اما نبی اکرم ﷺ همه حقوق را ادا می نمود و در ادای هیچ حقی به خاطر مشغولیت به حقی دیگر کوتاهی نمی کرد. آن حضرت ﷺ با وجود کارها و مسؤولیتهای زیادی که داشت، باز هم جایگاه کودکان را در قلبش حفظ کرده بود. وی، سعی می نمود از طریق شوخی، به آنان نزدیک شود و باعث خوشحالی آنان گردد؛ چنانکه گاهی با سایر مردم نیز شوخی می کرد. ابو هریره رضی الله عنه می گوید: صحابه عرض کردند: ای رسول خدا! شما با ما شوخی می کنید؟ فرمود: «آری، ولی من جز حق، سخن دیگری بر زبان نمی آورم». [روایت احمد]

یکی از شوخی‌هایش، از انس بن مالک رضی الله عنه نقل شده که نبی اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به وی فرمود: «ای کسی که دو گوش داری!»

انس رضی الله عنه می‌گوید: ام سلیم، پسری به نام ابوعمیر داشت. هرگاه نبی اکرم صلی الله علیه و آله نزد آن‌ها می‌رفت، با ابوعمیر شوخی می‌کرد. روزی آن حضرت صلی الله علیه و آله به خانه آنان رفت و با ابوعمیر شوخی کرد. ولی ابوعمیر را غمگین یافت؛ لذا فرمود: «چه شده که ابوعمیر را غمگین می‌بینم؟» گفتند: ای رسول خدا! پرنده‌اش که با آن بازی می‌کرد، مرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را صدا کرد و فرمود: «يَا أَبَا عُمَيْرٍ مَا فَعَلَ التَّغْيِيرُ؟» یعنی: «ای ابوعمیر! غیر (پرنده کوچکت) چه شد؟» [روایت بخاری و مسلم]

رسول رحمت صلی الله علیه و آله با کسانی که سن و سالی از آنان گذشته بود، طوری دیگر شوخی می‌کرد؛ چنانچه انس بن مالک رضی الله عنه می‌گوید: مردی بادیه نشین به نام زاهر بن حرام وجود داشت که بدقیافه بود؛ اما نبی اکرم صلی الله علیه و آله وی را دوست داشت. روزی نبی اکرم صلی الله علیه و آله نزد زاهر رفت؛ زاهر، مشغول فروختن کالاهایش بود. آن حضرت صلی الله علیه و آله او را از پشت سر طوری در بغل گرفت که او، آن حضرت صلی الله علیه و آله را ندید. آن مرد گفت: مرا رها کن. کیستی؟ آنگاه چهره‌اش را برگرداند و نبی اکرم صلی الله علیه و آله را شناخت و چون ایشان را شناخت، تلاش نمود تا هرچه بیشتر پشتش را به سینه مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله بچسباند. نبی اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «چه کسی این برده را می‌خرد؟» زاهر گفت: ای رسول خدا! من، بازاری نخواهم داشت. نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ولی تو، نزد خداوند ارزش زیادی داری». [روایت احمد]

این است اخلاق خوب و خصلت‌های زیبای رسول خدا صلی الله علیه و آله.

نبی اکرم ﷺ با آنکه با خانواده و خویشاوندانش بسیار گشاده روی بود، اما خندیدنش، حد و اندازه ای داشت؛ لذا فقط تبسم می نمود. چنانکه عایشه رضی الله عنها می گوید: «هرگز رسول خدا ﷺ را ندیدم که بطور کامل بخندد، طوری که سقف دهانش دیده شود». [روایت بخاری و مسلم]

رسول خدا ﷺ با آنکه چهره‌ای باز و برخورد خوبی داشت، اما اگر فردی، مرتکب عمل حرامی می شد، چهره مبارک آن حضرت صلی الله علیه و آله تغییر می کرد. عایشه رضی الله عنها می گوید: «رسول خدا ﷺ از سفری آمد؛ چشمش به پرده‌ای افتاد که رویش تصویر (موجودات جاندار) بود و من، آن را به دروازه خانه آویزان کرده بودم. چهره رسول خدا ﷺ به محض دیدن آن پرده دگرگون گردید و آن را پاره کرد و فرمود: ای عایشه! روز قیامت نزد خداوند، بیش از همه، کسانی عذاب می شوند که مخلوقات خداوند را شبیه سازی کنند». [روایت بخاری و مسلم]

حدیث فوق، دال بر این است که نگهداری تصویر در خانه، اگر آشکار باشد، حرام است و حرامتر از آن، تصاویر و مجسمه‌هایی هستند که بر دیوارها آویزان می گردند و یا در گوشه و کنار خانه گذاشته می شوند؛ علاوه بر این که این کار، باعث گنهکار شدن انسان می شود، از ورود فرشتگان رحمت به داخل خانه نیز جلوگیری می کند.

خواب نبی اکرم ﷺ

ابی بن کعب رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ فرمود: هرگاه یکی از شما خواست به رخت خوابش برود، گوشه ازارش را بگیرد و خدا را یاد کند و رخت خوابش را با آن جارو نماید. زیرا او نمی داند که بعد از وی چه چیزی

به رخت خوابش آمده است. و هنگامی که خواست بخوابد، به پهلوی راستش بخوابد و بگوید:

«بِاسْمِكَ وَصَعْتُ جَنِي، وَبِكَ أَرْفَعُهُ، إِنْ أَمَسَكْتَ نَفْسِي - فَأَرْحَمَهَا، وَإِنْ أَرْسَلْتَهَا فَأَحْفَظَهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ».

یعنی: «ای پروردگار من! پهلویم را به نام تو بر زمین گذاشتم و آن را به کمک تو بلند می‌کنم. اگر در حالت خواب جانم را گرفتی، مغفرتش کن و اگر زنده گذاشتی، با همان چیزی که بندگان نیکوکار را حفاظت می‌کنی، آن را نیز حفاظت کن». [روایت مسلم]

همچنین رهنمود نبی اکرم ﷺ به هر مرد و زن مسلمان، این بود که می‌فرمود: «هرگاه خواستی به رخت خوابت بروی، نخست مانند وضوی نماز، وضو بگیر و سپس بر پهلوی راستت بخواب». [روایت بخاری و مسلم]

عایشه رضی الله عنها می‌گوید: هر شب که رسول الله ﷺ به رخت خوابش می‌رفت، دو کف دستش را کنار هم قرار می‌داد و در آن‌ها می‌دمید و سوره‌های ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾، ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ را می‌خواند؛ سپس با کف دستانش تا آنجا که می‌توانست و دستش می‌رسید، بدنش را مسح می‌کرد.

قابل یادآوری است که از سر و صورت و قسمت جلوی بدنش شروع می‌کرد و این کار را سه بار تکرار می‌نمود. [روایت بخاری]

انس بن مالک رضی الله عنه می‌گوید: هنگامی که رسول خدا ﷺ به رخت خوابش می‌رفت، چنین می‌گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَكَفَانَا وَأَوَانَا، فَكَمْ مِمَّنْ لَا كَافِيَ لَهُ وَلَا مُؤَيٍّ». [روایت مسلم]

یعنی: «تمام حمد و ستایش‌ها از آن خدایی است که به ما آب و غذا داد و ما را کفایت کرد و به ما جای داد؛ چه بسا افرادی که کارساز و جادهنده ای ندارند».

ابوقتاده رضی الله عنه می‌گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله اگر می‌خواست در شب، استراحت نماید و بخوابد، به پهلوی راستش می‌خوابید و اگر قصد داشت اندکی قبل از صبح، استراحت نماید، ذراعش را نصب می‌کرد و سرش را بر کف دستش می‌گذاشت. [مسلم]

بله، برادر عزیزم! با این همه نعمتی که خداوند، به ما ارزانی داشته است، لحظاتی درباره رخت‌خواب سرور و خاتم انبیا و بهترین مخلوق خداوند و برترین کسی که روی زمین قدم گذاشته، بیندیش.

عایشه رضی الله عنها می‌گوید: رخت‌خوابی که رسول خدا صلی الله علیه و آله روی آن می‌خوابید، از پوستی بود که داخل آن با برگ درخت خرما پر شده بود. [مسلم]

عمر بن خطاب رضی الله عنه و چند تن دیگر از صحابه رضی الله عنهم خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله شرفیاب شدند؛ آن حضرت صلی الله علیه و آله روی تختی که با برگ درخت خرما بافته شده بود، دراز کشیده بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله مقداری از جایش تکان خورد. عمر رضی الله عنه متوجه شد که جز حصیر چیز دیگری روی تخت نیست و آثار حصیر را بر پهلوی آن حضرت صلی الله علیه و آله مشاهده کرد؛ لذا گریه کرد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ای عمر! چرا گریه می‌کنی؟» گفت: به خدا سوگند، من، می‌دانم که تو نزد خداوند از کسری و قیصر (پادشاهان ایران و روم) عزیزتری؛ ولی آن‌ها در ناز و نعمت بسر می‌برند و تو، چنین وضعیتی داری.. نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا راضی نیستی که دنیا، از آن آنان باشد و آخرت به ما تعلق بگیرد؟» عمر رضی الله عنه گفت: بلی؛ فرمود: «این چنین است». [روایت امام احمد]

شب زنده‌داری

مدینه را شب فرا گرفت و سیاهی شب، بر آن سایه انداخت؛ اما رسول خدا ﷺ شب را با نماز، یاد خدا و شب زنده داری، نورانی می‌گرداند. او، با پروردگار زمین و آسمان، همان ذاتی که اختیار تمام هستی در دست اوست، مناجات می‌نماید و دستور آفریننده‌اش را لبیک می‌گوید، آنجا که می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الْمَزْمِلُ ﴿١﴾ قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢﴾ نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا ﴿٣﴾ أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ﴿٤﴾﴾ [المزمل: ۱-۴] یعنی: «ای جامه به خود پیچیده! شب را جز اندکی از آن، بیدار بمان یا کمی از نیمه بکاه یا کمی بر نیمه آن بیفزای و قرآن را خوب با تلفظ صحیح حروف و تدبر در معانی آن بخوان».

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ به اندازه‌ای شب‌ها به نماز می‌ایستاد که قدم‌هایش ورم می‌کرد. مردم می‌گفتند: ای رسول خدا! با آنکه گناهان گذشته و آینده ات بخشیده شده‌اند، باز هم چنین می‌کنی؟ فرمود:

«آیا بنده‌ای سپاسگزار نباشم؟» [ابن ماجه]

اسود بن یزید رضی الله عنه می‌گوید: از عایشه رضی الله عنها درباره کیفیت نماز رسول خدا ﷺ پرسیدم؛ گفت: ایشان، اول شب می‌خوابید، سپس بیدار می‌شد و نماز می‌خواند و اگر نیازی به همسرش داشت، با وی همبستر می‌شد و هنگامی که صدای اذان را می‌شنید، به سرعت برمی‌خاست؛ اگر جنب بود، غسل می‌کرد؛ در غیر این صورت، وضو می‌گرفت و برای نماز می‌رفت.

[بخاری]

باید دانست که نماز شب پیامبر اکرم ﷺ به اندازه‌های طولانی است که از یکسو انسان را به شگفتی وا می‌دارد و از سوی دیگر باعث می‌شود که ایشان و نمازش را الگو قرار دهیم.

حذیفه بن یمان رضی الله عنه می‌گوید: شبی با نبی اکرم ﷺ به نماز ایستادم. آن حضرت صلی الله علیه و آله شروع به خواندن سوره بقره نمود؛ با خود گفتم: بعد از خواندن صد آیه، رکوع خواهد کرد، اما ادامه داد. گفتم: سوره بقره را در یک رکعت می‌خواند، اما باز هم ادامه داد و آل عمران را شروع کرد. گفتم: با تمام شدن آن، رکوع می‌نماید؛ اما ایشان خواندن سوره نساء را شروع کرد. بدون عجله تلاوت می‌فرمود. هرگاه آیه‌ای می‌خواند که در آن تسبیح وجود داشت، تسبیح می‌گفت. و اگر آیه‌ای می‌خواند که در آن، سؤال و طلب شده بود، طلب می‌کرد و اگر از پناه خواستن سخن به میان آمده بود، پناه می‌خواست؛ سپس رکوع کرد و شروع به گفتن *سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ* نمود. اندازه رکوعش نیز به ایستادنش بسیار نزدیک بود. آنگاه *سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ* گفت و خیلی طولانی، تقریباً به اندازه رکوعش ایستاد. سپس سجده نمود و *سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى* گفت. اندازه سجده‌اش نیز خیلی نزدیک به اندازه قیامش بود. [مسلم]

بعد از نماز صبح

با طلوع فجر و پس از آرامش شب مدینه، پس از این که نماز صبح در مسجد با جماعت خوانده می‌شد، پیامبر اکرم ﷺ تا طلوع آفتاب به یاد خدا می‌نشست و سپس دو رکعت نماز می‌خواند.

جابر بن سمره رضی الله عنه می گوید: هنگامی که نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نماز صبح را می خواند، سر جایش می نشست تا این که خورشید، خوب طلوع کند. [مسلم]
باید دانست که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم مردم را به انجام این سنت بزرگ تشویق کرده و اجر و ثواب آن را یاد آوری نموده است.

انس رضی الله عنه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هرکس، نماز صبح را با جماعت بخواند، سپس تا طلوع آفتاب بنشیند، خدا را ذکر کند و آنگاه دو رکعت نماز بخواند، به او به اندازه پاداش حج و عمره ای کامل، اجر می رسد. [ترمذی]

نماز چاشت

اکنون خورشید، بالا آمده و گرمای آن شدت گرفته است و پرتو خورشید، چهره ها را می سوزاند. هنگام چاشت، فرا رسیده و وقت کار و تلاش است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با وجود مسؤولیت های رسالت و مشغولیت هایی از قبیل: ملاقات با وفدها و نمایندگان قبایل مختلف، آموزش صحابه و ادای حقوق خانواده، باز هم به عبادت خداوند عز و جل می پردازد.

معاذه رضی الله عنها می گوید: به عایشه گفتم: آیا نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نماز چاشت می خواند؟ گفت: بلی؛ چهار رکعت می خواند و هر چه که خواست خدا بود، بر آن ها می افزود. [مسلم]

همچنین نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به خواندن نماز چاشت توصیه فرمود؛ ابوبهریره رضی الله عنه می گوید: محبوبم مرا به روزه گرفتن سه روز از هر ماه، خواندن دو رکعت نماز چاشت و خواندن وتر قبل از خوابیدن، توصیه فرمود. [بخاری و مسلم]

خواندن نمازهای نفل در خانه

خانه پیامبر اکرم ﷺ خانه‌ای است که ایمان در آن موج می‌زند و ملامال از عبادت و یاد خدا است. نبی اکرم ﷺ به ما توصیه می‌نماید که خانه‌های ما اینگونه باشد. چنانکه می‌فرماید: «بخشی از نمازهای تان را در خانه‌های تان بخوانید و آن‌ها (خانه‌های تان) را به قبرستان تبدیل نکنید».

[بخاری]

ابن قیم رحمته می‌گوید: رسول خدا ﷺ، عموم سنت‌ها و نوافل غیر ذوات الاسباب بویژه سنت‌های نماز مغرب را در خانه‌اش می‌خواند. چنانچه روایت نشده که پیامبر اکرم ﷺ سنت‌های مغرب را در مسجد بخواند. قابل یادآوری است که خواندن نمازهای نفل در خانه، فوایدی دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از: پیروی از سنت پیامبر ﷺ، آموزش کیفیت نماز به زنان و کودکان، رانده شدن شیاطین با یاد خدا و تلاوت قرآن؛ همچنین خواندن نوافل در خانه انسان را به اخلاص، نزدیکتر، و از ریا دور می‌نماید.

گریه کردن نبی اکرم ﷺ

مردان و زنان زیادی گریه می‌کنند، اما چگونه و برای چه؟ پیامبر اکرم ﷺ اگر دنیا را می‌خواست در اختیارش قرار می‌گرفت. همچنین خودش را در بالاترین مرتبه بهشت می‌دید، با وجود این، می‌گریست.

آری! پیامبر خدا ﷺ در عبادت‌هایش می‌گریست، هنگام مناجات با پروردگارش در نماز، و هنگام شنیدن قرآن کریم، گریه می‌کرد. و این خود، دال بر این است که پیامبر خدا ﷺ از رقت قلب بالایی برخوردار بود. باطنی

پاک داشت و عظمت و بزرگی الله ﷻ را خوب می دانست و خشیت الهی در سینه اس ریشه دوانده بود. عبدالله بن شخیر رضی الله عنه به نقل از پدرش می گوید: نزد رسول خدا ﷺ رفتم و دیدم که ایشان نماز می خواند و گریه می کند و از سینه اش صدایی مانند صدای جوشیدن آب در دیگ به گوش می رسد. [روایت ابوداود]

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می گوید: رسول خدا ﷺ به من فرمود: «برایم قرآن بخوان». گفتم: ای رسول خدا! آیا برای شما قرآن بخوانم، در حالی که قرآن بر شما نازل شده است؟! فرمود: «من دوست دارم که قرآن را از فرد دیگری بشنوم»؛ سرانجام، سوره نساء را خواندم تا این که به این آیه رسیدم: ﴿وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ [النساء: ۴۱]. یعنی: «و تو را به عنوان گواه بر این ها می آوریم».

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه در ادامه می گوید: دیدم که از چشمان رسول الله ﷺ اشک جاری است. [بخاری]

به موهای سفیدی که در فرق سر رسول خدا ﷺ وجود داشت و همچنین چیزی حدود هجده تار موی سفیدی که در محاسن مبارک می درخشید، لحظاتی فکر کن و گوش دل بسپار تا علت سفید شدن این موها را از زبان مبارکش بشنوی.

روزی ابوبکر رضی الله عنه گفت: ای رسول خدا! پیر شدی. پیامبر اکرم رضی الله عنه فرمود: «مرا سوره های هود، واقعه، مرسلات، عم یثساء لون و إذا الشمس کورت پیر کردند». [روایت ترمذی]

تواضع نبی اکرم ﷺ

اخلاق رسول خدا ﷺ از اخلاق همه مردم بهتر و کامل تر بود. آن حضرت ﷺ نمونه عملی قرآن کریم بود؛ چنانکه عایشه رضی الله عنها می گوید: اخلاق ایشان، قرآن بود. [مسلم]

همچنین شخص رسول خدا ﷺ می فرماید: «همانا من مبعوث شده ام تا ارزش های اخلاقی را کامل کنم». [روایت احمد]

یکی از دلایل تواضع نبی اکرم ﷺ این است که ایشان، تعریف و تمجید و ستایش را دوست نداشت.

عمر بن خطاب رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ فرمود: «در مدح و ستایش من افراط نکنید، آنگونه که نصاری در مورد عیسی بن مریم افراط کردند؛ چراکه من، بنده ای هستم؛ پس بگویید: بنده خدا و فرستاده او». [روایت بخاری]

انس رضی الله عنه می گوید: تعدادی از مردم گفتند: ای رسول خدا! تو، بهترین ما، فرزند بهترین ما، سرور ما و فرزند سرور ما هستی.. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «ای مردم! گفتن این سخنان اشکالی ندارد، ولی نگاه کنید که شیطان، شما را به دنبال خود نکشاند؛ من، محمد، بنده خدا و فرستاده او هستم. دوست ندارم برایم منزلتی بالاتر از منزلتی که خداوند عز وجل برایم قایل شده است، قایل شوید. [روایت نسائی]

ملاحظه می کنیم پیامبری که بهترین انسان روی زمین بشمار می رود، همیشه به سوی پروردگارش توبه و انابت می نماید و با غرور و تکبر رابطه ای ندارد؛ بلکه سرآمد تواضع و فروتنی و انکسار در برابر پروردگارش بحساب می آید.

انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: نزد صحابه هیچکس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم محبوبتر نبود؛ با این حال، هرگاه صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را می دیدند، بلند نمی شدند؛ زیرا می دانستند که آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم این کار را نمی پسندد. [روایت احمد]

اینک نگاهی به تواضع شگفت انگیز و اخلاق خوب و بی نظیر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بینداز که در برابر زنی فقیر و مسکین چگونه تواضع و فروتنی می نماید و وقت گران بها و پر مشغله اش را در اختیارش قرار می دهد.

انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: زنی نزد نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: من، با تو کاری دارم. فرمود: «سر هر راهی از راه های مدینه که خواستی، بنشین؛ من با تو می نشینم (و کارت را انجام می دهم)». [روایت ابوداود]

باید دانست که نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در رأس انسان های متواضع قرار داشت و سر آمد آن ها بود؛ ابوهیره رضی الله عنه می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «اگر مرا برای صرف ساعد یا پاچه (گوسفندی) دعوت کنند، خواهم پذیرفت؛ همچنین اگر به من ساعد یا پاچه ای هدیه داده شود، می پذیرم». [روایت بخاری]

از سوی دیگر، انسان های متکبر باید این سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را آویزه گوش خویش سازند تا همیشه مانعی برای تکبر و برتری طلبی آنان باشد.

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هر کس به اندازه یک ذره در قلبش تکبر داشته باشد، وارد بهشت نمی شود». [روایت مسلم]

قابل یادآوری است که تکبر، یکی از راه های جهنم است؛ اگر چه به اندازه یک ذره باشد.

اکنون شما درباره کیفر کسی فکر کنید که با تکبر راه می رود و ملاحظه کنید که چگونه خداوند عز و جل از او ناخشنود و خشمگین می شود و عذاب دردناکش را بر او نازل می فرماید.

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ فرمود: «روزی، یک مرد که سرش را شانه زده و لباسی مورد پسند پوشیده بود، قدم می زد و با تکبر راه می رفت؛ ناگهان خداوند، او را در زمین فرو برد. لذا او تا روز قیامت در زمین فرو خواهد رفت». [روایت بخاری و مسلم]

خدمتگزار نبی اکرم ﷺ

پیامبر اکرم ﷺ در رفتارش با خدمت گزاران، دین، تقوا و اعمال شان را معیار قرار داد، نه شغل و کارشان را. آن حضرت ﷺ در مورد خدمت گزاران و کارگران فرمود: «آنان، برادران شما هستند که خداوند، آن ها را زیر دست شما قرار داده است؛ لذا غذایی را که خود شما می خورید، به آن ها نیز بدهید و لباسی را که خود می پوشید، به آن ها نیز بپوشانید. همچنین آنان را مکلف به کاری نکنید که توان انجام آن را ندارند و اگر آن ها را مکلف ساختید، کمک شان کنید». [روایت مسلم]

بعد از این رهنمودها، اندکی درباره خدمت گزاری فکر کن که از آفایش سخنی شگفت انگیز و شهادتی زیبا و تمجیدی گهربار روایت می کند! آیا تا کنون شنیده اید که خدمت گزاری در مورد آفایش سخنی بر زبان بیاورد که خدمت گزار رسول خدا ﷺ درباره آن حضرت ﷺ بر زبان آورده است؟

انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: ده سال در خدمت رسول الله ﷺ بودم. هرگز به من أف نگفت و هرگز به خاطر کاری که انجام دادم، به من نگفت: چرا انجام دادی و همچنین به خاطر کاری که انجام ندادم، به من نگفت چرا انجام ندادی؟ [روایت مسلم]

ملاحظه می‌فرمایید ده سال کامل؛ چند روز و چند ماه نیست. بلکه یک عمر طولانی است که در آن حالت‌های مختلفی از قبیل خوشحالی، اندوه، خشم و غضب، حالت‌های مختلف روحی و روانی، نگرانی و نیز فقر و توانگری وجود دارد. با وجود همه این حالات، آن حضرت ﷺ که پدر و مادرم فدایش باد، یک بار هم او را سرزنش نکرد و بر سرش فریاد نکشید؛ بلکه به او پاداش می‌دهد، دلش را به دست می‌آورد، نیاز او و خانوادهاش را برآورده می‌سازد و برای آن‌ها دعای خیر می‌نماید.

انس رضی الله عنه می‌گوید: مادرم گفت: ای رسول خدا! این خدمت‌گزار توست؛ برایش نزد خداوند دعا کن. فرمود: «خدایا! به مال و فرزندانش بیفزای و در آنچه به او ارزانی داشته‌ای، برکت عنایت کن». [روایت بخاری]

همچنین با وجود این که آن حضرت ﷺ از شجاعت بسیار بالایی برخوردار بود، اما هرگز به کسی توهین نکرد و کسی را به ناحق، کتک نزد و با افرادی که تحت سرپرستیش قرار داشتند، از جمله: همسران و خدمت‌گزارانش، با خشونت رفتار نکرد. عایشه رضی الله عنها می‌گوید: رسول الله ﷺ هرگز کسی را با دست خودش، کتک نزد، مگر این که در راه خدا جهاد نماید (که فقط در این حال، کتک می‌زد)؛ همچنین آن حضرت ﷺ هرگز خدمت‌گزار و زنی را کتک نزد. [روایت مسلم]

ام المؤمنین رضی الله عنهن گواهی‌اش را برای بهترین انسان روی زمین تکرار می‌کند و خبر حُسن رفتار و برخورد خوب ایشان در میان کاروان‌ها نیز بر سر زبان‌هاست؛ تا جایی که کفار قریش نیز برایش گواهی می‌دهند.

عایشه رضی الله عنها می‌گوید: تا زمانی که یکی از احکام خدا زیر پا گذاشته نمی‌شد، هرگز ندیدم که رسول خدا ﷺ به خاطر ستمی که به خودش شده بود، انتقام بگیرد. اما اگر یکی از احکام الهی زیر پا گذاشته می‌شد، بیش از

همه خشمگین می‌گشت؛ همچنین اگر در میان دو چیز به او حق انتخاب داده می‌شد، آسان‌ترین آن‌ها را انتخاب می‌کرد. البته اگر گناه نبود. [روایت بخاری]

نبی اکرم ﷺ مردم را با آواز رسا و آشکارا، به نرمی و بردباری دعوت می‌داد و می‌فرمود: «همانا خداوند، نرمی را در تمام کارها دوست دارد». [روایت بخاری و مسلم]

هدیه و مهمان‌نوازی

بشر، یک سری نیازهای عاطفی و خواسته‌های درونی دارد که جامعه، خانواده و خانه، همیشه به آن‌ها نیازمند است. یکی از این امور که دل‌ها را به یکدیگر نزدیک می‌نماید و کینه‌ها را ذوب می‌کند، هدیه است.

عایشه رضی الله عنها می‌گوید: نبی اکرم ﷺ هدیه را می‌پذیرفت و به هدیه کننده، در عوض آن، پاداش می‌داد. [روایت بخاری]

باید دانست که هدیه دادن و نیز تشکر کردن از کسی که هدیه می‌دهد، دلیل سخای قلب و پاکی اوست. همچنین قابل یادآوری است که سخاوت، یکی از ویژگی‌های اخلاقی پیامبران به شمار می‌رود و پیامبر ما در این میدان از دیگران، سبقت گرفته است. مگر نه این‌که فرموده است: «هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، مهمانش را گرمی بخشد. جایزه‌اش یک روز است و مهمانش سه روز؛ و بعد از آن، صدقه محسوب می‌شود و برای مهمان هم جایز نیست که به اندازه‌ای نزد میزبان بماند که او را به تنگ آورد». [روایت بخاری]

سوگند به خدا که کره زمین، حجاز و شبه جزیره عربستان، بلکه تمام دنیا، اخلاق و صفاتی بالاتر از اخلاق نبی اکرم ﷺ به خود ندیده‌اند.

اینک چشمانت را با مشاهده یکی از حرکات نبی اکرم ﷺ که پدر و مادرم فدایش باد - سرمه کن؛ سهل بن سعد رضی الله عنه می گوید: یک زن، پارچه‌ای خدمت نبی اکرم ﷺ آورد و گفت: این را با دستان خود بافته‌ام تا به تو هدیه دهم. رسول خدا ﷺ که به آن نیاز داشت، آن را برداشت؛ سپس در حالی که آن را به عنوان ازار (شلوار) پوشیده بود، نزد ما آمد. شخصی گفت: چقدر زیبا است! آن را به من هدیه بده. فرمود: خوب است! آنگاه نبی اکرم ﷺ در مجلس نشست، اما پس از بازگشت (به خانه) آن را پیچید و برای آن مرد فرستاد. مردم به او گفتند: کار خوبی نکردی! پیامبر اکرم ﷺ آن را پوشیده بود و به آن نیاز داشت و با علم به این که رسول خدا ﷺ درخواست هیچ سائلی را رد نمی‌کند، باز هم آن را درخواست نمودی! آن مرد گفت: به خدا سوگند که آن را برای پوشیدن طلب نکردم. بلکه از آن جهت طلب نمودم که کفنم باشد.

سهل رضی الله عنه می گوید: سرانجام آن مرد در همان پارچه، کفن گردید. [روایت بخاری]

آری! از اخلاق کسی که خداوند او را برگزیده، تحت نظارت خویش به تربیت او پرداخته و به عنوان الگو برای مردم معرفی کرده است، تعجب نکنید.

رسول خدا ﷺ در زمینه سخاوت، شگفتی می‌آفریند. حکیم بن حزام رضی الله عنه می گوید: از رسول خدا ﷺ (چیزی) طلب کردم؛ به من عنایت فرمود؛ دوباره طلب کردم، باز هم عنایت فرمود؛ برای بار سوم طلب کردم؛ این بار نیز عنایت کرد و فرمود: «ای حکیم! این مال، سرسبز و شیرین (خوشایند) است؛ هر کس با سخاوت نفس آن را بگیرد، برایش در آن برکت عنایت می‌شود و هر کس با زور و طمع بگیرد، برایش در آن، برکت عنایت

نمی‌شود و مانند کسی می‌گردد که می‌خورد و سیر نمی‌شود؛ باید بدانید که دست‌دهنده، از دست‌گیرنده بهتر است.» [روایت بخاری و مسلم]

جابر رضی الله عنه می‌گوید: هرگز چیزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در خواست نکردند که بگوید: نه. [روایت بخاری]

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با این همه سخاوت و بخشش مالی، از نظر اخلاقی و برخورد خوب با مردم و محبت صادقانه با دیگران، بی‌نظیر بود. همواره تبسم بر لبانش نشسته بود و با تمام همنشینانش تبسم می‌فرمود. از اینرو هریک از یارانش فکر می‌کرد که او، محبوب‌ترین فرد در قلب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

جریر بن عبدالله رضی الله عنه می‌گوید: هیچکس را ندیدم که بیشتر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تبسم نماید. [روایت ترمذی]

انس بن مالک، خادم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم صفات بزرگی برای آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم بیان نموده است که نمی‌توان برخی از آن‌ها را در یک فرد و یا همه آن‌ها را در مجموعه‌ای از افراد سراغ داشت. او می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از همه مردم مهربانتر بود؛ هرگاه فردی از ایشان چیزی می‌پرسید، به سخنان آن شخص گوش فرا می‌داد و تا هنگامی که آن شخص، بر نمی‌گشت و نمی‌رفت، آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم با او می‌ماند. همچنین هر کس، دست مبارکش را می‌گرفت، دستش را در اختیارش می‌گذاشت. و تا زمانی که خود شخص، دستش را بیرون نمی‌کشید، آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم دست مبارکش را از دست او بیرون نمی‌کشید. [روایت ابونعیم در الدلائل]

با این همه مهمان‌نوازی و مهربانی و سخاوت، در عین حال، هنگام نیاز، شفقت به امت را فراموش نمی‌کرد؛ از اینرو ملاحظه می‌کنیم که هنگام دیدن منکر، نهی از منکر می‌کرد و منکر را نمی‌پذیرفت.

ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یک انگشتر طلا در دست شخصی دید، آن را از دستش بیرون آورد و انداخت و فرمود: «آیا یکی از شما اخگری از آتش را قصد می کند و آن را در دستش می گذارد؟» [روایت مسلم]

شفقت و مهرورزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به کودکان

انسان های سنگدل، شفقت را نمی شناسند و مهر و عاطفه در دل هایشان جایی ندارد. آن ها، مانند صخره اند؛ در دادن و گرفتن، سخت اند و از ابراز احساسات و عواطف انسانی، بخل می ورزند.

اما کسی که خداوند به او قلبی مهربان عنایت کرده، رحمت، سراسر وجودش را فرا گرفته و این عاطفه انسانی است که او را به حرکت در می آورد. انس رضی الله عنه می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرزندش ابراهیم را برداشت و او را بوسید و بویید. [روایت بخاری]

باید دانست که این شفقت و مهرورزی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ویژه خویشاوندانش نبود؛ بلکه شامل عموم مسلمین نیز می شد.

اسماء دختر عمیس همسر جعفر رضی الله عنه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد خانه من شد و فرزندان جعفر رضی الله عنه را صدا کرد، پس دیدم در حالی که اشک هایش سرازیر است، آن ها را می بویید. گفتم: ای رسول خدا! آیا از جعفر به تو خبری رسیده است؟ «فرمود: بله؛ امروز کشته شد».

اسماء رضی الله عنها می گوید: ما با گریه، بلند شدیم؛ سپس آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم برگشت و فرمود: «برای خانواده جعفر غذا درست کنید؛ زیرا آن ها به این حادثه مشغولند». [روایت ابن سعد، ترمذی و ابن ماجه]

همچنین روزی که نوه رسول الله ﷺ فوت کرد، اشک از چشمان مبارک آن حضرت ﷺ جاری شد. سعد بن عبادہ رضی اللہ عنہ گفت: ای رسول خدا! این چیست؟ فرمود: «این رحمتی است که خداوند آن را در دل بندگانش نهاده است و همانا خداوند بر بندگانی که رحم و شفقت داشته باشند، رحم می‌کند». [روایت بخاری]

همچنین هنگامی که فرزندش ابراهیم فوت نمود، اشک از چشمان آن حضرت ﷺ سرازیر شد؛ عبدالرحمن بن عوف رضی اللہ عنہ گفت: ای رسول خدا! شما هم گریه می‌کنید؟! فرمود: «ای ابن عوف! این، نشانه مهربانی است». و همچنانکه اشک می‌ریخت، فرمود: «چشم‌ها، اشک می‌ریزد و دل اندوهگین است، ولی سخنی که موجب نارضایتی خدا شود، به زبان نمی‌آوریم و ما به خاطر جدایی تو ای ابراهیم! غمگین هستیم». [روایت بخاری]

اینک که با گوش‌های از اخلاق پیامبر بزرگ اسلام ﷺ بویژه شفقت و مهربانیش با کودکان آشنا شدیم، شایسته است که ایشان را الگو قرار دهیم. بخصوص که ما، در زمانی زندگی می‌کنیم که احساس محبت نسبت به کودکان کم شده است و از آن احترامی که باید برخوردار باشند، برخوردار نیستند. باید بدانیم که آن‌ها، پدران و مادران فردا و مردان و زنان آینده امت اسلامی هستند.

متأسفانه نادانی، تکبر، کم‌فکری و کوتاه‌نظری، ما را به جایی رسانده است که برخورد صحیح و درستی با کودکان و نوجوانان نداریم. لذا نمی‌توانیم به دل‌هایشان راه پیدا کنیم.

ملاحظه می‌کنیم که چگونه نبی اکرم ﷺ با اخلاق و رفتارش به دل‌ها راه پیدا می‌کند و طوری برخورد می‌نماید که کودکان نیز او را دوست دارند، به او احترام می‌گذارند و جایگاهش را می‌دانند. آن حضرت ﷺ برای نوجوانان ارزش بسیار بالایی قایل بود.

هرگاه انس رضی الله عنه این صحابی بزرگوار رسول الله صلی الله علیه و آله از کنار کودکان می گذشت، به آنان سلام می کرد و می گفت: نبی اکرم صلی الله علیه و آله این کار را انجام می داد. [روایت بخاری و مسلم]

شما می دانید که کودکان، مشکلات خاص خودشان را دارند و با حرکات و بازی زیاد، باعث خستگی انسان می شوند، اما رسول خدا صلی الله علیه و آله خشمگین نمی شد و آنان را سرزنش نمی کرد؛ بلکه با آن ها به نرمی برخورد می کرد و آرامش خویش را حفظ می نمود.

عایشه رضی الله عنها می گوید: مردم، بچه های شان را نزد نبی اکرم صلی الله علیه و آله می آوردند و آن حضرت صلی الله علیه و آله برای آنان دعای خیر می فرمود. یک روز کودکی را آوردند و او، بر لباس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ادرار کرد. آن حضرت صلی الله علیه و آله مقداری آب بر روی لباسش ریخت، بدون آنکه آن را بشوید. [روایت بخاری]

خواننده گرامی! آیا آن لحظاتی که به نشستن در خانه نبی اکرم صلی الله علیه و آله مشرف می شوی، به فکر خطور نمی کنی که با فرزندانت بازی و شوخی کنی و خنده ها و سخنان زیبایشان را بشنوی؟ زیرا پیامبر این امت که پدر و مادرم فدایش باد، همه این کارها را انجام می داد.

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله زبانش را برای حسن بن علی رضی الله عنه بیرون می آورد و او، با دیدن زبان آن حضرت صلی الله علیه و آله خوشحال می شد. [سلسله الأحادیث الصحیحة، شماره ۷۰].

انس رضی الله عنه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله با زینب دختر ام سلمه رضی الله عنها شوخی می کرد و به او می گفت: ای زُوینب! ای زوینب! و چندین بار این سخنش را تکرار می کرد. [الصحیحة (۲۱۴۱)؛ صحیح الجامع: ۵۰۲۵]

آری! شفقت و مهربانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شامل حال کودکان می شد؛ حتی آن هنگامی که در عبادتی بزرگ بسر می برد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال

نماز، نوه‌اش امامه را بر دوش داشت؛ هنگامی که بر می‌خاست، او را بر می‌داشت و هنگامی که می‌خواست سجده کند، او را بر زمین می‌گذاشت. [روایت بخاری و مسلم]

قابل یاد آوری است که امامه، دختر زینب بنت رسول الله ﷺ است و پدرش، ابوالعاص بن ربیع می‌باشد.

محمود بن ربیع رضی الله عنه می‌گوید: خوب به یاد دارم زمانی را که پنج ساله بودم و رسول خدا صلی الله علیه و آله اندکی آب از دلی بر داشت و پس از مضمضه آب‌ها را بر چهره‌ام پاشید. [روایت بخاری و مسلم]

همچنین باید دانست که نبی اکرم صلی الله علیه و آله فقط بزرگسالان را آموزش نمی‌داد؛ بلکه آموزش وی، شامل کودکان و بزرگسالان بود.

ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: روزی پشت سر نبی اکرم صلی الله علیه و آله بر مرکب سوار بودم که فرمود: «پسرم! چند کلمه به تو می‌آموزم: (دین) خدا را حفظ کن، خداوند تو را حفاظت خواهد کرد؛ (دین) خدا را حفاظت کن، خداوند را جلویت می‌بینی (و در کارها به تو کمک می‌نماید)؛ هرگاه سؤال می‌کنی، از خداوند سؤال کن و هرگاه طلب کمک می‌نمایی، از خداوند درخواست کمک نما». [روایت ترمذی]

خواننده گرامی! پس از این که لحظاتی را با ویژگی‌های اخلاقی و سیرت گهربار نبی اکرم صلی الله علیه و آله سپری نمودیم تا بدین سان حیات و زندگی را به دل‌هایمان باز گردانیم و در مسیر زندگی، از ایشان پیروی نماییم، باید بدانیم که در خانه‌های ما، اطفال و کودکانی هستند که به محبت پدر و عاطفه مادر نیاز دارند و قلبهای کوچکشان منتظرند که کسی آن‌ها را خوشحال کند.

قابل یادآوری است که اگر کودکان ما، اینگونه رشد نمایند، عاطفه‌ای متعادل و اخلاقی درست خواهند داشت و هنگامی که بزرگ شوند، امت را

رهبری خواهند کرد. این پدران و مادران هستند که بعد از توفیق الهی، مردان و بانوان بزرگ را تربیت می‌نمایند.

صبر و بردباری

زدن و بستن و گرفتن حقوق با زور و اجبار، یکی از ویژگی‌های ظالمان و ستمگران است و از آنجا که پیامبر ﷺ اصول عدالت و کمک کردن به ستمدیدگان را پایه‌گذاری نموده است تا هر صاحب حقی به حقش برسد، ما به هیچ عنوان نگران نیستیم که در خانه‌اش ظلم و ستمی انجام بگیرد یا به حقوق کسی تعدی و تجاوز گردد.

عایشه رضی الله عنها می‌گوید: هرگز رسول خدا ﷺ هیچکس حتی زن و خدمتگذاری را با دستش کتک نزد مگر این‌که در راه خدا جهاد نماید. (یعنی فقط در جهاد می‌زد) و هرگز به خاطر خودش از کسی انتقام نمی‌گرفت مگر این‌که دستورات الهی زیر پا گذاشته می‌شد که در این صورت به خاطر خداوند انتقام می‌گرفت. [روایت احمد]

انس رضی الله عنه می‌گوید: با نبی اکرم ﷺ قدم می‌زدم. ایشان ردایی نجرانی که حاشیه‌ای ضخیم داشت، پوشیده بود. در این اثنا، مردی بادیه نشین به آن حضرت ﷺ رسید و ردایش را محکم کشید، طوری که من به گردن نبی اکرم ﷺ نگاه کردم و اثر حاشیه ردا را که به شدت کشیده بود، دیدم؛ سپس آن مرد گفت: دستور بده تا از مال خدا که در اختیار توست، به من هم چیزی بدهند. رسول خدا ﷺ به او نگاه کرد و تبسم فرمود و دستور داد تا به او هم چیزی بدهند. [روایت بخاری و مسلم]

همچنین هنگامی که رسول الله ﷺ از غزوه حنین بر می گشت، تعدادی بادیه نشین به دنبالش آمدند و از او درخواست مال نمودند، تا جایی که آن حضرت ﷺ را مجبور ساختند زیر درختی برود؛ لباس رسول اکرم ﷺ که سوار بر شترش بود، به درخت گیر کرد. آن حضرت ﷺ فرمود: لباسم را به من بدهید. آیا می ترسید که من بخل بورزم؟ سوگند به خدا، اگر به تعداد این درختان بیابانی نعمت داشته باشم، میان شما تقسیم می نمایم. سپس متوجه می شوید که من بخیل، بزدل و دروغگو نیستم^۱.

باید بدانید که یکی از بهترین شکل های تربیت و آموزش خوب، نرمش نشان دادن در همه کارها، شناخت مصلحت ها و دفع مفاسد است.

هنگامی که صحابه رضی الله عنهم فردی را دیدند که اشتباه کرد و دچار لغزش شد، به غیرت آمدند و برای باز داشتنش از انجام منکر، مبادرت ورزیدند و این، حق آن ها بود؛ اما الگوی صبر و بردباری، رسول خدا ﷺ آن ها را به خاطر نادانی آن فرد و پیامدهای ناگوار آن، از بروز هرگونه واکنشی بازداشت. بطور قطع بهترین شیوه، شیوه رسول خدا ﷺ است.

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: مردی بادیه نشین در مسجد ادرار کرد؛ مردم برخاستند تا او را تنبیه کنند. نبی اکرم ﷺ فرمود: «او را به حال خود رها کنید و یک سطل آب روی ادرار او بریزید؛ زیرا شما مأموریت دارید که آسان بگیرید، نه سخت». [روایت بخاری]

از سوی دیگر، جا دارد که صبر و تحمل رسول خدا ﷺ در مسیر دعوت برای ما اسوه و الگو باشد تا از ایشان پیروی کنیم و به خاطر خودمان از مردم انتقام نگیریم.

۱- روایت بغوی در شرح السنة؛ و آلبانی آن را صحیح دانسته است.

عایشه رضی الله عنها از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسید: آیا روزی سخت تر از روز احد بر سر شما آمده است؟ آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «از سوی قومت سختی‌های زیادی را متحمل شده‌ام، اما شدیدترین مشکلی که از سوی آن‌ها با آن مواجه شدم، روز عقبه بود؛ یعنی هنگامی که خودم را به عبدیاللیل بن عبد کلال عرضه کردم و خواسته ام را به او گفتم؛ او خواسته ام را نپذیرفت؛ من که به شدت اندوهگین بودم، به سویی که چهره ام به آن طرف بود، به راه افتادم و هنگامی که به خود آمدم، دیدم در قرن الثعالب هستم. آنجا سرم را بلند کردم، ناگهان چشمم به ابری افتاد که بر سرم سایه انداخته بود. به آن ابر نگاه کردم؛ جبرئیل علیه السلام را در میان آن دیدم. گفت: خداوند، سخنان قومت و پاسخی را که به تو دادند، شنید. اکنون فرشته کوه‌ها را به سوی تو فرستاده است تا در مورد آن‌ها هر چه می‌خواهی، به او دستور دهی. سپس فرشته کوه‌ها مرا صدا زد و سلام کرد و گفت: ای محمد! خداوند، سخنان قومت را شنید؛ من، فرشته کوه‌ها هستم. پروردگارم، مرا به سوی تو فرستاد تا در اختیار تو باشم و هر چه می‌خواهی، انجام دهم. اگر می‌خواهی دو کوه سخت مکه را بر آنان فرود می‌آورم. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «من امیدوارم که خداوند، از نسل آنان، کسانی را بیاورد که فقط خدا را عبادت کنند و چیزی را با او شریک نسازند». [روایت بخاری و مسلم]

متأسفانه امروزه بسیاری از مردم در امر دعوت عجله می‌کنند و می‌خواهند خیلی زود نتیجه بگیرند؛ در حالی که نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اینگونه نبود. باید دانست که انتقام گرفتن به خاطر خود در مسیر دعوت، نقص و عیب شمرده می‌شود. به همین خاطر بسیاری از حرکت‌ها دچار شکست می‌شوند؛ زیرا مشکلات فوق دامنگیر افراد آن‌ها می‌گردد، پس صبر و تحمل کجاست؟

باید بدانیم که نبی اکرم ﷺ با صبر و مبارزه طولانی، پس از سالیان زیاد سرانجام به آرزویش رسید.

وكيف يسامي خير من وطئ الثرى وفي كل باع من علاه قصور
 وكل شريف عنده متواضع وكل عظيم القريتين حقير

یعنی: «چگونه می‌توان با شخصی رقابت کرد که بهترین کسی است که روی زمین قدم نهاده و همه جا صحبت از بزرگی‌های اوست و هر انسان بزرگواری، در برابر او متواضع و فروتن می‌باشد و همه بزرگان مکه و مدینه، در برابر او چیزی نیستند؟».

روزی رسول اکرم ﷺ همراه یارانش در تشییع جنازه‌ای شرکت داشت؛ در آن اثنا، فردی یهودی به نام زید بن سعه برای طلب قرضش نزد رسول خدا ﷺ آمد و پیراهن آن حضرت ﷺ را گرفت و با چهره‌ای خشن به سویش نگاه کرد و گفت: ای محمد! آیا قرضم را نمی‌دهی؟ و با نبی اکرم ﷺ خیلی تند و خشن سخن گفت.

از این حرکت او عمر بن خطاب رضی الله عنه خشمگین شد و در حالی که چشمانش در چهره‌اش همچون آسیاب می‌چرخید، گفت: ای دشمن خدا! آیا با رسول خدا ﷺ چنین سخن می‌گویی و اینگونه رفتای می‌کنی؟! سوگند به خدا، اگر از سرزنش نبی اکرم ﷺ نمی‌ترسیدم، سرت را با شمشیرم از تنت جدا می‌ساختم. اما رسول خدا ﷺ در کمال آرامش به عمر بن خطاب رضی الله عنه نگاه می‌کرد؛ سپس فرمود: ای عمر! برو و حقش را ادا کن و علاوه بر آن، بیست پیمانہ خرما نیز به او بده.

عمر بن خطاب رضی الله عنه دستور نبی اکرم ﷺ را اجرا کرد و قرضش را به او داد و علاوه بر آن، بیست پیمانہ خرما نیز به آن افزود. در این هنگام زید

(یهودی) گفت: ای عمر! اضافه چرا؟ عمر ﷺ گفت: رسول خدا ﷺ به من دستور داد تا در عوض خشم و ناراحتی ات اینها را به تو بدهم. زید گفت: ای عمر! آیا مرا می‌شناسی؟ عمر ﷺ گفت: نه، تو کیستی؟ او، گفت: من، زید بن سعنه هستم. عمر ﷺ گفت: زید بن سعنه دانشمند؟! گفت: آری؛ عمر ﷺ گفت: چرا با رسول خدا ﷺ آنگونه رفتار کردی و آنطور سخن گفتی؟.

زید گفت: ای عمر! هنگامی که به چهره ایشان نگاه کردم، همه نشانه‌های نبوت را در چهره‌اش مشاهده نمودم و از دو ویژگی، خبر نداشتم که آیا در او وجود دارد یا نه؟ آن دو ویژگی، عبارتند از این که: آیا بردباری از جهل و نادانیش پیشی می‌گیرد و آیا جهالت با او، باعث بردباری بیشترش می‌شود؟ لذا با این برخورد دو مورد فوق را آزمایش کردم. ای عمر! اکنون تو را گواه می‌گیرم که الله را به عنوان پروردگار، و اسلام را به عنوان دین، و محمد ﷺ را به عنوان پیامبر پذیرفتم. همچنین تو را گواه می‌گیرم که نصف مالم را بر امت محمد ﷺ صدقه نمودم.

عمر ﷺ گفت: بر تعدادی از امت محمد ﷺ صدقه کن؛ زیرا مال تو، اندک است و تعداد آن‌ها زیاد. زید گفت: «بر تعدادی از آن‌ها صدقه است».

بدین ترتیب زید یهودی نزد رسول خدا ﷺ برگشت و گفت: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»^۱. یعنی: «گواهی می‌دهم که هیچ معبود بحقی جز الله وجود ندارد و گواهی می‌دهم که محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست».

۱- حاکم در المستدرک روایت کرده و آن را صحیح دانسته است.

ما نیز لحظاتی به این موضع رسول اکرم ﷺ فکر می‌کنیم تا شاید از تأسی جستن به نبی اکرم ﷺ بهره‌ای ببریم، در برابر اذیت و آزار مردم صبر کنیم و آنان را با نرمی و بردباری دعوت دهیم و اگر کار نیکی انجام دادند، آن‌ها را تشویق کنیم و روحیه خوشبینی را در دل‌هایشان غرس نماییم.

عایشه رضی الله عنها می‌گوید: همراه نبی اکرم ﷺ به قصد انجام عمره از مدینه حرکت کردم تا این‌که به مکه رسیدم؛ آنجا گفتم: ای رسول خدا! پدر و مادرم فدایت باد. نمازهایم را هم قصر (دو رکعتی) و هم کامل خواندم. همچنین بعضی از روزها روزه گرفتم و بعضی از روزها را روزه نگرفتم؛ (حکم چیست)؟ فرمود: «ای عایشه! خوب کردی و از من انتقاد نکرد». [روایت نسائی]

غذای رسول الله ﷺ

سفره‌های رنگارنگ و دیگ‌های متنوع در خانه‌های سران و بزرگان و صاحبان قدرت، جابجا می‌شود. پیامبر این امت، سرزمین‌های زیادی را در اختیار دارد و انسان‌های زیادی، مطیع و فرمانبردار او هستند و کاروان‌های آذوقه از مناطق مختلف نزد وی می‌آیند. بنابراین فکر می‌کنید آب و غذای پیامبر اکرم ﷺ باید چگونه باشد؟ آیا مانند پادشاهان زندگی می‌کند یا این‌که غذایی بهتر از غذای آنان می‌خورد؟ آیا غذایش مانند غذای سرمایه داران است یا غذایی کامل‌تر از غذای آنان میل می‌نماید؟

آری! از سادگی و کمی غذای رسول خدا ﷺ تعجب نکنید.

انس رضی الله عنه می‌گوید: اتفاق نیفتاد که نهار و شام پیامبر ﷺ گوشت و نان باشد و آن حضرت ﷺ شکم سیر غذا بخورد، مگر به دشواری. [روایت ترمذی]

نبی اکرم ﷺ، زمانی سیر غذا می خورد که مهمانی نزدش می آمد؛ به خاطر مهمان، غذای خوبی تدارک می دید تا انس و الفت بیشتر گردد و نیکی های مهمانانش را جبران نماید.

عایشه رضی الله عنها می گوید: اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله دو روز پشت سر هم از نان جو سیر نخوردند تا این که رسول خدا صلی الله علیه و آله وفات کرد. [روایت مسلم] و در روایتی دیگر می گوید: از هنگامی که محمد صلی الله علیه و آله وارد مدینه شد، اهل بیتش سه شب پیپی از نان گندم سیر نخوردند تا این که آن حضرت صلی الله علیه و آله وفات نمود. [بخاری و مسلم]

بلکه چه بسا رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی برای خوردن نمی یافت و یک لقمه هم نمی خورد و با شکم گرسنه می خوابید. ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و خانواده اش، چون غذایی برای خوردن نداشتند، شب های متوالی گرسنه می خوابیدند و نان آن ها، نان جو بود. باید دانست که این وضعیت به خاطر قلت و یا نبودن غذا نبود. بلکه اموال زیادی از زیر دست پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می گذشت و همانگونه که متذکر شدیم کاروان ها نزدش می آمدند، اما خداوند عز و جل کامل ترین و بهترین حالت را برای پیامبرش انتخاب نمود.

عقبه بن حارث رضی الله عنه می گوید: روزی نبی اکرم صلی الله علیه و آله نماز عصر را برای ما امامت نمود؛ سپس با عجله وارد خانه اش شد و دیری نگذشت که بیرون آمد. علت را جويا شدند. فرمود: «یک قطعه طلای صدقه، در خانه گذاشته بودم؛ پس ناگوار دانستم که شب در خانه ام بماند. لذا آن را تقسیم نمودم». [مسلم]

قابل یادآوری است که پیامبر این امت صلی الله علیه و آله از سخاوت و بخشش بی نظیری برخوردار بود.

انس رضی الله عنه می گوید: مردی نزد نبی اکرم صلی الله علیه و آله آمد؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یک وادی گوسفند به او عنایت کرد.

آن مرد نزد قومش برگشت و گفت: ای قوم! مسلمان شوید؛ زیرا محمد صلی الله علیه و آله مانند کسی عطا و بخشش می نماید که از فقر نمی ترسد. [روایت مسلم]

دوستان گرامی! با این همه سخاوت و بخشش، به وضعیت پیامبر این امت بیندیشید. انس رضی الله عنه می گوید: سراغ ندارم که نبی اکرم صلی الله علیه و آله در ظرف های کوچک و تشریفاتی غذا بخورد یا نان نازک (لواش) برایش پخته شود و یا روی میز نهارخوری غذا میل کند. [بخاری]

عایشه رضی الله عنها می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله نزد من می آمد و می فرمود: نهار داری؟ می گفتم: خیر. می فرمود: «پس من روزه هستم». [مسلم]

همچنین به ثبوت رسیده است که آن حضرت صلی الله علیه و آله یک ماه و دو ماه را فقط با آب و خرما سپری می کرد. [بخاری و مسلم]

با وجود این کمبود غذا و خوراکی، باز هم ادب اسلامی و اخلاق سترگش، باعث می شود تا از نعمت های الهی سپاس گذاری نماید و از کسانی که غذا و خوراکی را فراهم ساخته اند، تشکر کند. اگر در درست کردن، اشتباهی صورت می گرفت، آنان را سرزنش نمی کرد؛ چراکه آنان، تلاششان را کرده بودند. به همین خاطر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از غذا عیب نمی گرفت، آشپز را سرزنش نمی کرد، آنچه را که وجود داشت، رد نمی نمود و چیزی را که وجود نداشت، طلب نمی کرد.

آری! آن بزرگوار، پیامبر این امت بود و هم و غمش، شکم و غذایش نبود. ابوهریره رضی الله عنه می گوید: هرگز رسول خدا صلی الله علیه و آله از غذایی عیب نگرفت؛ اگر مورد علاقه اش بود، تناول می فرمود و در غیر این صورت، رهایش می کرد. [بخاری و مسلم]

اینک برای دوستان گرامی سخن شیخ الاسلام ابن تیمیه را بطور مختصر می‌آورم؛ وی، می‌گوید:

درباره نحوه خوردن و لباس پوشیدن، باید گفت که بهترین روش، روش محمد ﷺ است. روش ایشان در نحوه خوردن، این بود که هر چه میسر می‌شد، اگر اشتها داشت، تناول می‌فرمود؛ غذای موجود را رد نمی‌کرد و برای غذایی که وجود نداشت، تکلف نمی‌نمود؛ اگر گوشت و نان وجود داشت، می‌خورد و اگر فقط خرما و یا فقط نان وجود داشت، تناول می‌کرد. اینگونه نبود که اگر دو نوع غذا وجود داشت، بگوید: من دو نوع غذا نمی‌خورم. همچنین از خوردن غذا به خاطر لذت و شیرینیش امتناع نمی‌ورزید.

در حدیث آمده است که رسول خدا ﷺ می‌فرمود: «ولی من، روزه می‌گیرم و روزهایی را افطار می‌کنم؛ شب زنده داری می‌نمایم و می‌خواهم. با زنان ازدواج می‌کنم و گوشت نیز می‌خورم. پس هر کس، از سنت من رویگردانی کند، از من نیست.»

خداوند ﷻ به بندگانش دستور داده تا از روزی پاک او بخورند و شکرش را به جا آورند. پس هر کس، حلال خدا را بر خود حلال کند، متجاوز شمرده می‌شود.

همچنین کسی که سپاس نعمت‌های خداوند را به جا نیاورد، در واقع کوتاهی کرده و حق خداوند را ضایع نموده است.

باید دانست که راه رسول خدا ﷺ بهترین و صحیح‌ترین راه‌هاست و کسانی که آن را ترک می‌کنند، از دو حال خالی نیستند: یا گروهی هستند که از نعمت‌های الهی در حد افراط استفاده می‌کنند، ولی از انجام واجبات رویگردانی می‌نمایند.

و یا گروهی هستند که نعمت‌های حلال را بر خود حرام می‌سازند و رهبانیتی را بدعتگذاری می‌کنند که خداوند، آن را مشروع قرار نداده است؛ باید دانست که در اسلام رهبانیتی وجود ندارد.

ابن تیمیه می‌افزاید: هر چیز پاکی، حلال، و هر حلالی، پاک است. زیرا خداوند ﷻ اشیا را پاک را برای ما حلال، و اشیا را ناپاک را برای ما حرام نموده است. همچنین خداوند متعال، هر چیز مضر را برای ما حرام و هر چیز مفید را برای ما حلال قرار داده است.

دفاع از آبروی دیگران

بهترین مجالس، مجالس علم و ذکر است. پس اگر در این مجلس، برگزیده فرزندان آدم، معلم بشریت، رسول خدا ﷺ با رهنمودهای گهربارش حضور داشته باشد، تصور شما در مورد آن چیست؟

یکی از ویژگی‌های مجالس رسول خدا ﷺ که خود دلیلی بر پاکی ضمیر و مجلسش به شمار می‌رود، این است که وی اشتباه کننده را از اشتباهش باز می‌داشت، نادان را آموزش می‌داد، غافل را آگاه می‌ساخت و در مجلسش تنها خیر و نیکی را می‌پذیرفت. همچنین اگر سکوت می‌کرد و به سخنان دیگران گوش فرا می‌داد، غیبت کردن را نمی‌پذیرفت و سخن چینی و تهمت را انکار می‌نمود. بدین ترتیب از آبروی دیگران دفاع می‌کرد.

عتبان بن مالک رضی الله عنه می‌گوید: روزی نبی اکرم صلی الله علیه و آله برخواست تا نماز بخواند. پس پرسید: «مالک بن دحشم کجاست؟»

شخصی گفت: او، فرد منافقی است که خدا و رسولش را دوست ندارد. نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «چنین مگو؛ آیا نمی‌بینی که او به خاطر رضای

خداوند، لا إله إلا الله گفته و همانا خداوند، آتش را بر کسی که به خاطر رضای او لا إله إلا الله بگوید، حرام ساخته است». [بخاری و مسلم]

همچنین نبی اکرم ﷺ مردم را از گواهی دروغ برحذر می‌داشت. ابوبکر رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: «آیا شما را از بزرگترین گناهان کبیره باخبر نسازم؟» گفتیم: بلی ای رسول خدا! فرمود: «شُرک به خدا و نافرمانی والدین». آن حضرت ﷺ که پیشتر تکیه داده بود، نشست و فرمود: «آگاه باشد که شهادت دروغ هم یکی از گناهان کبیره است». و آنقدر این جمله را تکرار نمود که ما گفتیم: ای کاش! سکوت می‌کرد. [بخاری و مسلم]

آن حضرت ﷺ با آنکه ام المؤمنین، عایشه رضی الله عنها را بسیار دوست داشت، اما غیبت کردن را از ایشان نپذیرفت و خطر بزرگ غیبت را به ایشان گوشزد فرمود.

عایشه رضی الله عنها می‌گوید: به نبی اکرم ﷺ گفتم: همین عیب صفیه برایت کافی است که چنین و چنان (قد کوتاه) است.

رسول خدا ﷺ فرمود: «سخنی به زبان آوردی که اگر با آب دریا درآمیزد، آن را آلوده می‌سازد». [ابو داود]

همچنین نبی اکرم ﷺ به کسی که از آبروی برادرانش دفاع نماید، بشارت داده و فرموده است: «هر کس، در غیاب برادرش از آبروی وی دفاع نماید، بر خداوند واجب است که او را از آتش آزاد سازد». [روایت احمد]

کثرت ذکر خداوند متعال

مریبی اول، پیامبر این امت، محمد مصطفی ﷺ، بهره وافری از عبادت و ارتباط قلبی با خداوند ﷻ داشت. او، نمی گذاشت که لحظه‌ای از وقتش، بدون ذکر و سپاس خداوند و استغفار، سپری شود. با وجودی که گناهان گذشته و آینده‌اش مغفرت شده بود، اما وی، بنده‌ای شاکر و سپاسگزار بود. او، جایگاه پروردگارش را خوب شناخته بود؛ لذا به دعا و نیایش می‌پرداخت. همچنین ارزش لحظات زندگی‌اش را می‌دانست؛ از اینرو از وقتش خوب استفاده می‌کرد و آن را در راه طاعت و عبادت، سپری می‌نمود.

عایشه رضی الله عنها می‌گوید: رسول الله ﷺ در هر حال به یاد خدا بود. [روایت مسلم]

ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: ما می‌شمردیم که رسول الله ﷺ در یک مجلس، صد بار می‌گفت: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ». [روایت ابو داود]

یعنی: «پروردگارا! مرا مغفرت کن و توبه ام را بپذیر؛ همانا تو، توبه پذیر و مهربانی».

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: شنیدم که رسول الله ﷺ فرمود: «به خدا سوگند، من روزانه بیش از هفتاد بار از خداوند طلب مغفرت کرده، توبه می‌نمایم». [روایت بخاری]

ام المؤمنین ام سلمه رضی الله عنها می‌گوید: هنگامی که رسول الله ﷺ نزد من بود، بیشترین دعایش این بود که: «يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ». [روایت ترمذی] یعنی: «ای گرداننده دل‌ها! دلم را بر دینت استوار نگه دار».

همسایه

چه نیکوست همسایگی رسول الله ﷺ! همسایه نزد رسول خدا ﷺ از جایگاه والایی برخوردار بود؛ تا جایی که فرمود: «جبرئیل (علیه السلام) همچنان مرا در مورد همسایه توصیه می کرد تا آنجا که فکر می کردم او را شریک میراث قرار می دهد». [روایت بخاری و مسلم]

همچنین پیامبر اکرم ﷺ در مورد همسایه به ابوذر رضی الله عنه توصیه کرد و فرمود: «ای ابوذر! هرگاه شوربایی تهیه کردی، آبش را زیاد کن و به همسایگانت توجه داشته باش». [روایت مسلم]

همچنین نبی بزرگوار اسلام ﷺ مردم را از اذیت و آزار همسایه برحذر داشت و فرمود: «هر آنکس که همسایه اش، از اذیت و آزار وی در امان نباشد، وارد بهشت نمی شود». [روایت مسلم]

مبارک و خجسته باشد بر همسایه که نبی اکرم ﷺ درباره اش فرموده است: «هرکس، به خدا و روز قیامت ایمان دارد، به همسایه اش نیکی کند». [روایت مسلم]

برخورد خوب

عایشه رضی الله عنها می گوید: هرگاه رسول خدا ﷺ اطلاع می یافت که فلان شخص، سخنی ناشایست بر زبان آورده است، نمی گفت: چرا فلانی چنین گفته است؛ بلکه (بدون ذکر نام آن شخص) می فرمود: «چرا برخی از مردم چنین و چنان می گویند»؟ [روایت ترمذی]

انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: مردی که رنگ زرد به چهره اش زده بود، نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب شد. کم اتفاق می افتاد که آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم با شخصی ملاقات نماید که در چهره اش چیزی ناشایست (اثری خلاف شریعت) باشد؛ لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پس از رفتن آن شخص، فرمود: «چه خوب بود اگر به این شخص دستور می دادید که آن رنگ را از چهره اش بشوید». [روایت ابوداود و احمد]

ابن مسعود رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «آیا به شما نگویم که آتش جهنم بر چه کسی حرام است؟ آتش، بر هر شخصی که با مردم ارتباط نزدیکی داشته و آسانگیر، متواضع و نرم خوی باشد، حرام است». [روایت ترمذی]

ادای حقوق

باید دانست که حقوق زیادی بر عهده انسان است؛ حقوق خداوند، حقوق خانواده، حقوق نفس و حقوق بندگان. فکر می کنید رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چگونه برای وقتش برنامه ریزی نمود و از لحظات زندگی استفاده کرد؟

انس رضی الله عنه می گوید: سه نفر به حجره های نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و درباره عبادت ایشان پرسیدند؛ هنگامی که از میزان عبادت آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم مطلع شدند، گویا آن را اندک شمردند و گفتند: ما، کجا و نبی اکرم کجا؟! گناهان گذشته و آینده وی بخشیده شده است. لذا یکی از آنان گفت: من، تمام شب به عبادت می پردازم. دیگری گفت: من، همیشه روزه می گیرم و هیچ روزی را بدون روزه سپری نمی کنم. سومی گفت: من، عزلت و گوشه نشینی را انتخاب می نمایم و هرگز ازدواج نمی کنم.

رسول خدا ﷺ پس از آنکه از این موضوع اطلاع یافت، نزد آنان رفت و فرمود: «شما همان کسانی هستید که چنین گفته‌اید؟ من، بیش از همه شما از خدا می‌ترسم و تقوای بیشتری دارم؛ ولی در عین حال، بعضی از روزها را روزه می‌گیرم و برخی دیگر را روزه نمی‌گیرم. پاسی از شب را نماز می‌خوانم و قسمتی از آن را می‌خوابم؛ همچنین با زنان ازدواج می‌نمایم. پس هرکس، از سنت و روش من رویگردانی کند، از من نیست». [بخاری و مسلم]

شجاعت و صبر رسول خدا ﷺ

پیامبر گرامی اسلام ﷺ بهره زیادی از شجاعت داشت و از آن در جهت گسترش دین و به اهتزاز درآوردن پرچم یکتاپرستی بخوبی استفاده نمود. آری! رسول رحمت ﷺ از نعمت‌هایی که خداوند به وی عنایت کرده بود، بجا و درست استفاده کرد.

عایشه صدیقه همسر گرامی نبی اکرم ﷺ می‌گوید: رسول خدا ﷺ جز هنگام جهاد در راه خدا، هیچکس را کتک نزد. همچنین پیامبر اکرم ﷺ هرگز خدمت‌گزاران و همسرانش را کتک نمی‌زد. [روایت مسلم]

یکی از بارزترین دلایل شجاعت وی، این است که دعوتش را به تنهایی آغاز کرد و در برابر کفار و سرداران قریش مقاومت نمود تا این که خداوند، او را پیروز گردانید. رسول خدا ﷺ هیچگاه نگفت: من، تنهایم و همه مردم در برابرم ایستاده‌اند؛ بلکه بر خداوند ﷻ توکل نمود و مردم را آشکارا به دین خدا فرا خواند. وی، شجاع‌ترین مردم بود و از همه آنان، قاطعیت بیشتری داشت. در مواضعی که سایر مردم، فرار می‌کردند، او، ثابت قدم می‌ماند.

نبی اکرم ﷺ سال‌ها در غار حرا به عبادت پرداخت؛ بدون این که مورد تعرض و اذیت و آزار قرار بگیرد، اما به محض این که دعوت توحید را آشکار ساخت و مردم را به یکتاپرستی فرا خواند، همه کفار، او را هدف قرار دادند و با تعجب گفتند: ﴿أَجْعَلُ الْأَلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا﴾ [ص: ۵].

یعنی: «آیا او، به جای این همه خدا، به خدای واحدی معتقد است؟».

آنان، بتها را واسطه قرار می‌دادند؛ چنانچه خداوند ﷻ به نقل قول از

آنان می‌فرماید: ﴿مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى﴾ [الزمر: ۳].

یعنی: «ما، بتها را صرفاً بدین خاطر عبادت می‌کنیم که ما را به خداوند

نزدیک گردانند».

مشرکین، توحید ربوبیت را قبول داشتند. خداوند متعال، می‌فرماید:

﴿وَلَيْن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ﴾ [لقمان: ۲۵].

یعنی: «اگر از مشرکین سؤال کنی که آسمان‌ها و زمین را چه کسی

آفریده است، حتماً در جواب می‌گویند: الله».

برادر مسلمانم! بد نیست در اینجا نگاهی به اوضاع امروزی مسلمانان

بیندازیم.

ملاحظه می‌کنیم که چگونه به دام شرک افتاده‌اند؛ عده‌ای مردگان را

صدا می‌زنند، برخی به آنان توسل می‌جویند، برای آنان نذر می‌کنند، از آنان

می‌ترسند و به کمک آن‌ها امیدوارند، تا جایی که ریسمان ارتباط آنان با

خداوند ﷻ قطع شده است و مردگان را به منزله خداوند زنده و جاویدان قرار

داده‌اند: ﴿إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَهُ النَّارُ﴾

[المائدة: ۷۲].

یعنی: «هر کس به خدا شرک ورزد، خداوند، بهشت را بر او حرام می‌نماید و جایش در آتش است».

اکنون که سخن از شجاعت به میان آمد، کوه احد در سمت شمال، نگاهمان را از داخل خانه به سوی خود جلب می‌کند؛ همان جایی که نبردی سنگین میان اسلام و کفر رخ داد.

پیامبر اکرم ﷺ در این جنگ به شدت مجروح گردید، چهره مبارکش خونین شد، دندانهایش شکست و از ناحیه سر به شدت آسیب دید و بدین سان صبر و ثبات و شجاعتش در این نبرد سنگین، به نمایش درآمد و هویدا گردید.

سهل بن سعد رضی الله عنه از آن روز بزرگ و از زخمی شدن نبی اکرم ﷺ سخن به میان آورد و گفت: به خدا سوگند، من می‌دانم که چه کسی زخم رسول خدا ﷺ را شستشو می‌داد و چه کسی آب می‌ریخت و زخم آن حضرت ﷺ با چه چیزی مداوا گردید. علی بن ابی طالب رضی الله عنه آب می‌ریخت و فاطمه رضی الله عنها زخم را شستشو می‌داد. هنگامی که فاطمه رضی الله عنها متوجه شد آب، باعث افزایش خونریزی می‌شود، قطعه‌ای حصیر برداشت و آن را سوزاند و بر زخم گذاشت. در نتیجه، خونریزی متوقف شد. [روایت مسلم]

عباس بن عبدالمطلب رضی الله عنه رسول الله ﷺ را در نبرد حنین چنین توصیف می‌نماید: هنگامی که مسلمانان پشت کردند و برگشتند، نبی اکرم ﷺ همچنان مرکبش را به سوی کفار می‌راند. من که افسار مرکبش را به دست داشتم، سعی می‌نمودم که آن را نگه دارم تا به سرعت پیش نرود. در این اثنا نبی اکرم ﷺ می‌فرمود:

أنا النبي لا كذب أنا بن عبد المطلب

یعنی: «من، پیامبری هستم که دروغ نمی گوید؛ من، فرزند عبدالمطلب هستم». [روایت مسلم]

آری! علی بن ابی طالب رضی الله عنه، آن شهسوار شجاع، صاحب مواقف و وقایع معروف و مشهور، در مورد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می گوید: هنگامی که تنور جنگ داغ می شد و جنگ تن به تن، آغاز می گردید، به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پناه می بردیم. پس آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم از همه ما به دشمن نزدیکتر بود. [شرح السنه؛ نگا: صحیح مسلم ۱۴۰۱/۳].

صبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در امر دعوت، مثال زدنی است و الگویی نیکو برای ما به شمار می رود. تا آنجا که خداوند عز و جل، پرچم این دین را به اهتزاز درآورد و سپاه اسلام، شبه جزیره عربستان و ماوراءالنهر را زیر پا گذاشت و اسلام وارد شهرها و روستاهای مختلف این دیار گردید.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «زمانی که هیچکس ترسانده نمی شد، من به خاطر خدا ترسانیده شدم و زمانی که هیچکس اذیت و آزار نمی شد، من به خاطر خداوند اذیت و آزار شدم. سی شبانه روز می گذشت و من و بلال غذایی نداشتیم که موجود زنده‌ای آن را بخورد مگر چیز اندکی که زیر بغل بلال جای می گرفت». [روایت ترمذی و احمد]

دعای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

باید دانست که دعا، عبادت بزرگی است و نباید از غیر خدا کمک بخواهیم و یا فریادخواهی نماییم. همچنین انسان هنگام دعا کردن، در واقع، نیازمند بودنش را به الله متعال ابراز می دارد و با زبان حال می گوید: من، هیچ قدرت و توانی ندارم.

این، بندگی و عجز بشر را می‌رساند. از سوی دیگر دعا در واقع، حمد و ثنای پروردگار و نسبت دادن جود و کرم به ذات باری تعالی است. به همین خاطر رسول الله ﷺ فرمود: «دعا، عبادت است». [روایت ترمذی]

رسول خدا ﷺ بسیار دعا می‌کرد و نزد پروردگارش تضرع و زاری می‌نمود و در بارگاه خداوند متعال اظهار نیاز می‌کرد و در دعاهایش از کلمات پرمحتوا و جامع استفاده می‌نمود.

اینک برخی از دعاهایش:

«اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي، وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي، وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي فِيهَا مَعَادِي، وَاجْعَلْ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ وَاجْعَلْ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ». [روایت مسلم]

یعنی: «خدایا! دینم را که باعث نجات از آتش جهنم و دنیایم را که حیات و زندگی من در آنست و آخرتم را که منزلگاه من است، خوب و نیکو بگردان و زندگی ام را باعث افزایش نیکی‌هایم و مرگم را باعث رهایی ام از همه بدیها قرار بده».

«اللَّهُمَّ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكُهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّكَهِ وَأَنْ أَقْتَرِفَ عَلَى نَفْسِي سُوءًا أَوْ أُجْرَهُ إِلَى مُسْلِمٍ». [روایت ابوداود]

«پروردگارا! ای دانای پیدا و پنهان! ای آفریننده آسمان و زمین! ای پروردگار و مالک همه چیز! گواهی می‌دهم که هیچ معبود به حقی، جز تو نیست؛ از شر شیطان و دام فریبش به تو پناه می‌برم و از این که مرتکب کار بدی شوم و یا به مسلمانی، بدی برسانم، به تو پناه می‌برم».

«اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ، وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ».

[روایت ترمذی]

یعنی: «خدایا! مرا با رزق حلال، کفایت کن و رزق حرام نصیبم مگردان و با فضل خود، مرا از دیگران بی‌نیاز بفرما».

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَأَلْحِقْنِي بِالرَّفِيقِ الْأَعْلَى». [بخاری و مسلم]

یعنی: «خدایا! مرا مغفرت کن؛ به من رحم نما و مرا به رفیق اعلیٰ ملحق ساز».

رسول خدا ﷺ در سختی و آسانی، بسیار دعا می‌کرد و دست نیازش را به درگاه پرورگارش دراز می‌نمود.

رسول اکرم ﷺ روز جنگ بدر آنقدر برای پیروزی مسلمانان و شکست کفار دعا کرد که ردایش از بالای شانه‌هایش افتاد. همچنین آن حضرت ﷺ برای خودش، اهل بیتش و نیز برای سایر مسلمانان دعا می‌نمود.

پایان ملاقات

پس از این‌که گوش‌های ما با سخنان گهربار، سیرت عطرآگین و نیز با شنیدن جهاد و صبر طولانی رسول الله ﷺ نوازش شد، برای کامل شدن خیر و حرکت کردن در راه راست، باید بدانیم که آن حضرت ﷺ حقوقی بر امتش دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از:

ایمان آوردن به ایشان با گفتار و کردار؛ تصدیق تمام آنچه که از جانب خداوند ﷻ آورده است؛ فرمانبرداری از آن حضرت ﷺ و پرهیز از نافرمانی وی؛ داور قرار دادن او و رضایت داشتن به داوری اش؛ شناخت مقام و منزلتش بدون افراط و تفریط؛ الگو قرار دادن وی در تمام کارها؛ او را بیش از همه مردم دوست داشتن؛ احترام گذاشتن به وی؛ دفاع از سنت‌هایش و

احیا نمودن آن‌ها در میان مردم؛ دوست داشتن یارانش و نیز مطالعه سیرت آنان و دفاع از آن‌ها.

خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶].

یعنی: «خدا و فرشتگانش بر پیامبر ﷺ درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید! بر محمد ﷺ سلام و درود بفرستید».

همچنین نبی اکرم ﷺ می‌فرماید: «یکی از بهترین روزهای شما، روز جمعه است؛ در همین روز، آدم عَلَيْهِ السَّلَام آفریده شد و در همین روز، در صورتی که در آن روز بی‌هوش می‌گردند. لذا در این روز بر من بسیار درود بفرستید؛ زیرا درود شما بر من عرضه می‌شود». فردی گفت: ای رسول خدا! چگونه درود ما، بر شما عرضه می‌گردد؛ حال آنکه شما در قبر کهنه و فرسوده شده‌اید؟

آن حضرت ﷺ فرمود: «خداوند، خوردن اجساد پیامبران را بر زمین حرام کرده است». [ابو داود و ابن ماجه و تصحیح آلبانی]

لذا امت محمد ﷺ نباید نسبت به این پیامبر رحمت بخل بورزد؛ چراکه نبی اکرم ﷺ می‌فرماید: «بخیل، کسی است که مرا نزدش یاد کنند و بر من درود نفرستد». [روایت ترمذی]

همچنین پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «هر گروهی که در جایی بنشینند و خدا را یاد نکنند و بر پیامبرشان درود نفرستند، نشست آنان، باعث حسرت و ندامت خواهد شد؛ لذا اگر خداوند بخواهد، آن‌ها را عذاب می‌دهد و اگر بخواهد، آنان را می‌آمرزد». [روایت ترمذی]

لحظات خداحافظی

در حالی این خانه مالامال از ایمان و سرشار از اطاعت و بندگی را ترک می‌کنیم که سنت رسول الله ﷺ به عنوان چراغی بر فراز راه کسانی که به دنبال نجات و هدایت هستند، برای ما نورافشانی می‌نماید و باقی می‌ماند. در اینجا لحظاتی را با علمای سلف و علاقه‌ای که به پیروی از سنت رسول الله ﷺ داشتند، سپری می‌کنیم؛ شاید خداوند به ما نیز توفیق تأسی و اقتدا عنایت فرماید.

امام اهل سنت احمد بن حنبل رحمته الله می‌گوید: هیچ حدیثی را ننوشتم مگر این که به آن عمل نمودم تا این که به این حدیث رسیدم که نبی اکرم صلی الله علیه و آله حجامت کرد و به ابوطیبه یک دینار داد. از اینرو من نیز حجامت نمودم و به حجامتگر یک دینار دادم. [السیر: ۲۱۳/۱۱]

از عبدالرحمن بن مهدی نقل است که سفیان می‌گفت: هر حدیثی که از رسول الله صلی الله علیه و آله به من رسیده، برای یک بار هم که شده، به آن عمل نموده‌ام.

مسلم بن یسار می‌گوید: در عین حال که بیرون آوردن کفشها برایم راحت تر است، من با آنها نماز می‌خوانم و با این کارم هدفی جز عمل به سنت ندارم. [السیر: ۲۴۲/۷؛ الزهد: ۳۳۵ تألیف احمد بن حنبل].

در پایان، حدیثی بزرگ به برادران عزیزم تقدیم می‌نمایم؛ رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است: «همه امتیانم وارد بهشت می‌شوند مگر کسی که انکار کند».

صحابه رضی الله عنهم عرض کردند: ای رسول خدا! چه کسی انکار می‌کند؟ فرمود: «هر کس، از من اطاعت نماید، وارد بهشت می‌شود و هر کس از من نافرمانی کند، در حقیقت انکار نموده است». [روایت بخاری]

خدایا! محبت پیامبر و هدایت و راه ایشان را نصیبمان فرما.
 الهی! ما را گمراه و گمراه کننده مگردان.
 پروردگارا! تا زمانی که شب و روز جریان دارند و به اندازه‌ای که
 انسان‌های نیکوکار محمد ﷺ را یاد می‌کنند، بر او درود بفرست.
 بار خدایا! همنشینی ایشان را در فردوس اعلیٰ به ما عنایت کن.
 بار الها! چشمان ما را با دیدن آن حضرت ﷺ و نوشیدن جرعه‌ای از
 حوض کوثرش روشن گردان تا هرگز بعد از آن تشنه نشویم.

وصلی الله علی نبینا محمد وآله وأصحابه أجمعین